

((توقیع منیع ۱۱۳ بدیع))

((از آثار حضرت ولی محبوب امرالله))

XX

مقدمه : توقیع منیع مبارک که در نوروز ۱۱۳ بدیع (۲۱ مارچ ۱۹۵۴) در دومین سال شروع نقشه ملکوتی دهساله و در آخرین سالهای حیات عنصری هیکل اطهر و در بحبوحه انقلابات ایران که منجر به تعطیل تشکیلات امریه و تخریب حظیره القدس ملی و اشغال سایر حظائر قدس و اذیت و ایذاء اهل بهاء در سراسر ایران گردید خطاب به جمیع یاران اعم از افراد و اعضاء محافل ملیه و محلیه و ایادی امرالله صادر گردید در مقام خود از آثار

بی نظیر و درسبک و انشا "خاص و اداعی
هیكل اطهر و منحصر به فرد میباشد .
پس از وصول آن به ایران با آنکه به
دستور مبارک میبایست جمیع اهل بها
از مضامین پر محتوای آن مطلع گردند " ولی
محفل ملی ایران که به دستور دولت تعطیل
شده بود روش خاص دیگری غیر از آنچه که
معمول بود بصورت دست نویس " دست به
دست در بین یاران میگشت و سبب تشفی خاطر
آنان میشد::

در این ایام نظر به شباهتی که با وقایع اخیر
ایران از نظر وسعت و مدت و شدت دارد بنظر
رسید که توصیه مبارک انجام گیرد و جمیع
یاران خصوصاً نسل جدید از مضامین دلنشین
و پر محتوای آن مطلع گردند .

خصوصیاتیکه در این اثر نفیس ملاحظه می‌گردد
این نکات بنظر میرسد :

۱- تاثیر شدیدیکه برهیکل اطهر از مظلومی که
براهل بهاء در کشور مقدس ایران وارد گردید
چشمان مبارک را پر اشک و قلب ممردش را
مکدر نمود .

۲- ازسوی دیگر شعف و سروریکه از قیام
عاشقانه یاران در سراسر جهان در اولین
سالهای شروع نقشه دهساله قلب الطف
نازینش را فرا گرفت قابل دقت است .

۳- روش تشویق و ترغیب یارانیکه در
اجرای نقشه الهی دهساله قیام نمودند
درسی برای تشکیلات امریه باشد که چگونه
خدمتگزاران را تشویق نمایند .

۴- برای تشفی خاطر یاران ستمدیده که
تحمل بلایا و صدمات نموده اند شمه ای از بلایا

ورزایای لا تحصی که بر وجود مبارک
طلعات مقدسه وارد گردیده ذکر نموده اند
از جمله این بیان حضرت عبدالبهاء باین
مضمون (با بلا متولد شدم از پستان بلا شیر
نوشیدم، در بلا بزرگ شدم، در بلا به بلوغ
رسیدم، در بلا جوان شدم، و در بلا پیر گشتم و
چه شیرین است بلا در راه خدا)

عاقبت ستمگران و ظالمان را از آثار مبارکه
حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء، آورده اند
که باعث تسکین خاطر ستمدیدگان و تشفی
دل‌های شکسته آن مظلومان و بازماندگان
گردد- از جمله این آیات آمده است (سوف
تاخذهم زبانية العذاب من لدن عزیز مقتدر
قیوم) و از قلم میثاق این کلمات تامات در این
مقام نازل (این عزت مبدل بذلت کبری گردد
و این سطوت و شوکت منقلب بمقهوریت عظمی

شود ، ایوان بدل به زندان گردد و از ماه به قعر
 چاه انجامد) (قهقهه و خنده نماند بلکه نجیب بکا
 بلند شود) (گنبد های سفید و نیلگون سرنگون
 گردد) (حضرات رؤسا آخور را دیده اند و
 آخر را ندیده اند و ضربت علیهم الذلّة
 والمسکنة و باوء بغضب من الله) (عنقریب این
 نغمه و اطوبی و اطوبی منقلب به فریاد و اوایلا
 و اوایلا گردد) (عنقریب ملاحظه خواهید فرمود
 که کُل باعْنُق منکسره خائب و خاسر
 مبتلا گردند) (این نفوس بمنزله بَعوضند
 ، چندی در گل و کثافات خویش می غلظند یک
 عربده می اندازند و عاقبت کَانَ لَمْ یکن شیئا
 مذکور ا معدوم گردند) (زنان ناتوان مرد
 میدان گشتند و گوی سبقت و پیشی
 از مجتهدان زمان ربودند . . .

سبک نگارش این اثر جاودانه که در نهایت
استحکام کلام و انسجام بیان و در اوج
فصاحت و بلاغت با کلماتی دلنشین و سبک
خاص خود از جمله با جملاتی بلند که
شایسته مفاهیمی که مورد نظر هیکل اطهر بوده
به رشته تحریر در آمده، جایی که کلام در
بیان عظمت این امر قاصراست جز آنکه
همه کلماتیکه بر مفهوم کلام و انسجام بیان
کمک میکند هیکل اطهر آنرا به خدمت
گرفته اند و همچون مرواریدهای در پی هم
بارعایت تناسب در کنار هم قرار داده اند
و بدینجهت جملات طولانی شده است و این
از خصوصیات آثار مبارک است
و کدام کلام است که بتواند در وصف آن سخن
براند

باتشابهی که آن ایام بادوران شدادسالهای اخیر (بل اشد
از آن) جامعه ستمدیده ایران تحمل نمود و چون کوه
پر شکوه ایستاد و درخشید ، شایسته است که نسل جدید با
دقت نظر این آخرین یادگار آن مولای حنون رامطالع
نماید . برای درک و فهم مضامین دلنشین آیات عربی آن ،
بفارسی و همچنین بعضی از لغات مشکله در پایان توقیع
مبارک آمده امید است مورد نظر اهل نظر قرار گیرد .

باتقدیم تحیات

شیراز-ح-ح

توقیع منیع ۱۱۳ بدیع

هیئت محترمه ایادی امرالله و حضرات افنان
ثابتہ راستخه برمیثاق الله و جنو دمنصوره
مجاہدان و مهاجران فی سبیل الله و عصبه

جلیله مبلغان و ناشران نفعات الله و
 اعضاء محافل مقدسه روحانيه ارکان و حامیان
 شریعة الله و افراد جامعه پیروان دین الله
 در کشور مقدس ایران و خطه هندوستان و برما
 و پاکستان و قالیم افریقا و عربستان و قطر
 مصر و سودان و ترکیه و افغانستان و جزائر
 هند و محیط اعظم و عراق عرب و سوریه و
 لبنان رجالات و نساتاً صغیراً و کبیراً ملاحظه
 نمایند .

یامعشر المؤمنین و المؤمنات اُحییکم مِن
 هذه البقعة الاحدیة المبارکة المقدسة المطهرة
 النوراء بقلب خافق لمحببتکم و فواد منجذب
 بنفحات ذکر کم و لسان ناطق بثنا نکم و
 محامدکم و عین دامعة لِضُرکم و اضطهادکم و
 روح مهتذبیشاراتکم و عظیم ولائکم و ولایهکم

واشتعالكم و صبركم و اصطباركم و ثباتكم و
استقامتكم و خدمتكم و مجتهداتكم و
فتوحاتكم تكريما لاسمه الاعز العزيز و اجلالا
لظهوره الامنع المنيع و اعزازاً لميثاقه الامتن
المتين و تعظيماً لشعائر دينه الاقوام القديم و
اثباتاً لاصول نظمه الابدع البديع و امداداً لجهاده
الاکبر الكبير و كشفاً لاسرار شرعه
الامجد المجيد و تمهيداً لاعلان امره الاوعر
الافخم الانور الاقدس المبرم الخطير ،، صلوات الله
والطافه و عزة و بهائه عليكم يا احباء الله وامائه
و خيرة خلقه و رعاة اغنامه و مشاعل حبه ، و
مصاييح هدايته و امناء امره طوبى لكم . اَلْف
طوبى لكم يا عزاً لكم و يا روحاً لكم بما اجبتم
ندائه و وفيتم بميثاقه و ثبتتم اقدامكم على
صراطه و اعتصمتم بحبله و حملتم الشدائد فى
سبيله و تركتم اوكاركم و هجرتم اوطانكم

تَفِيذُ الْأَمْرِ وَافْتِرَاقُكُمْ مِنْ أَقَابِكُمْ وَفَدَيْتُمْ
رَاحَتَكُمْ طَلِباً لِمَرْضَاتِهِ وَدَعَوْتُمْ النَّاسَ فِي
مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا لِاسْتِظْلَالِ فِي ظِلِّهِ وَ
اِقْتَدَيْتُمْ بِالَّذِينَ سَبَقُولَكُمْ مِنْ آبَائِكُمْ وَاجْدَادِكُمْ
فِي هِدَايَةِ خَلْقِهِ وَتَبْلِيغِ رِسَالَتِهِ وَالانْقِطَاعِ عَنِ
كُلِّ مَا سِوَاهُ وَالْتِرْنُحِ مِنْ صَهْبَاءِ الشَّهَادَةِ حُبًّا
لِجَمَالِهِ وَبَذَلْتُمْ مَا وَهَبَكُمْ رَبُّكُمْ لِاعْزَازِ دِينِهِ وَ
تَرْوِيجِ مَبَادئِهِ وَكَشْفِ اسْرَارِهِ وَتَعْمِيمِ تَعَالِيمِهِ وَ
اسْتِحْكَامِ دَعَائِمِ نِظْمِهِ وَاثْبَاتِ اسْتِقْلَالِ شَرِيعَتِهِ وَ
اشْتِهَارِ صِيَةِ أَمْرِهِ الْأَعْظَمِ الْعَظِيمِ ، تَاللَّهِ تَنْظُرُكُمْ
فِي هَذَا الْحِينِ عَيُونَ أَهْلِ مَلَأَ الْأَعْلَى وَتَسْتَبْرِكُنَّ
بِأَنْفَاسِكُمْ سَكَانَ رَفْرِفِ الْبَقَاءِ وَيَشِيرُنَ الْيَكْمِ
أَهْلَ سِرَادِقِ الْإِبْهَى وَتَهْلَلُ لِنَصْرِكُمْ وَظَفْرِكُمْ
أَجْوَهُ حَوْرِيَّاتِ الْقُدْسِ فِي الْجَنَّةِ الْعَالِيَا وَتُسَبِّحُ
مَلَائِكَةُ الْأَمْرِ حَوْلَ حَرَمِ الْكِبْرِيَاءِ وَتُجَدِّدُكُمْ فِي
مُقَابَلَةِ الْعَرْشِ سَيِّدِكُمْ وَمُحِبُّوْبِكُمْ مَرْكَزِ عَهْدِ

الله الامتن الاسمى و يبارككم ربكم و موليك
النقطة الاولى مبشر امره الا سنى سلطان الرسد
قره عين الانبياء و يخاطبكم لسان العظمة فـ
بجوحه الفردوس جمال الله البهى الابهى مبعه
الرسل بارتكم و موجدكم بان يا احبائى و حفظ
امانتى و هداة خلقى ، طوبى لكم ، بشرى لك
، مرحى بكم من هذه المنحة العظمى ، انت
الناصرين لامرى ، انتم الشاربون من رحيق حُبى
، انتم اعلام نصرتى فى مملكتى ، انتم المختارون
فى ملكوتى ، انتم المتكئون على و سادة عزمى
، طوبى لمن تأسى بكم و سلك فى منهاجك
، تالله يوءيده روح الاعظم كما ايدناكم من قبل
من بعد ان استقيموا على هذا الصراط . اياكم
اياكم ان تخوفكم جنود الجبابره و سطوة
الفراعنه اياكم اياكم ان تمنعكم عن اداء
رسالات ربكم و مولاكم و محبوبكم دولة هاتك

او لومة لائم او صولة ظالم او شوكة فاتك ،سوف
يُدْمَدَمَ عَلَيْهِم العذاب كما دَمَدَمَ على الذين
كانوا من قبلهم وَأَنَّ هَذَا لوعْدٌ غير مكذوب .

++++
++++

يا مشاعل الحُب و مطالع الوفا (١)

در این سنین اخیرہ از حین اختتام سنہ مقدسہ
عید منوی ثانی (۲) اہل بہاء و راکبین
سفینہ حمراء و افتتاح جہاد کبیر اکبر (۳) در این
عصر افخم اسنی الی یومنا ہذا از جہتی سیل
جارف (۴) بلایا و رزایا (۵) در موطن اصلی جمال
ابھی منہم (۶) و تندباد امتحان و افتتاح
در ہبوب و مرور و ضوضاء ہمچ ارض

(۷) ورازل قوم مرتفع و مفتريات محتجيين و
 هذيانا و اراجيف مكذيين در جرائد و
 نشریات پی در پی منتشر و تمهيدات دشمنان
 پرکين متتابع و متزايد و نار بغض در قلوب
 مشتعل و غبار دخان و ظلم بعنان آسمان
 متصاعداوليای الهی، یاران راستان در پنجه
 تغليب گرفتار و اصحاب فتور و عصبه غرور
 بتمام قوی بر قلع و قمع حزب الله عاشقان
 جمال ابهی و سالکان سییل وفا و رافعین رایت
 بیضاء قیام و شَرذمه از ذئاب کاسره از
 ایکات (۹) نفاق مرة أخرى خارج بکمال صولت
 بر اغنام الهی مهاجم و به توهین و تحقیر و هدم
 و تخریب و زجر و ضرب و شتم و هتک
 ناموس و اهراق دمء برئیه مشغول (۱۰) و
 علمای رسوم به عربده و هیاهو و هممه و

دمدمه جدیدی مالوف و جمعی از بُلها و سُفها
و بُلدا و جُهلا در تشویق و تایید و معاضدت و
مساعدت و اشتراک در حمله اخیر با باغیان و
طاغیان (۱۱) عَلَناً لَيْلاً و نهاراً در سراسر موطن
اصلی جمال ابهی سعی و جاهد. ولی هزار شکر
مولای بیهمتا را که از جهتی دیگر با وجود تتابع
بلایا بل در بحبوحه رزایا آئین جهان
افروز جمال اقدس ابهی رَغْمًا لِأَنْفِ الْخُصْمَاءِ و
الاعْدَاءِ (۱۳) أَنَا فَأَنَا در مالک اُخْرَى در ارتفاع
و در این سنه ثلاثه امر مبین و آئین نازنین به
نیروی اسم اعظم محیی العالمین بر متجاوز از
صدوده اقلیم از مالک و جزایر شرقیه و غربیه
و جنوبیه و شمالیه پرتو افکنده و چنان ولوله
در این عالم ادنی انداخته و شور و وله و نشوری
احداث نموده که اهل امکان را از قریب و بعید
و وضع و شریف و آشنا و بیگانه حیران نموده

صد هزار شکر در این ایام که عید سعید نوروز
 است و این عبد مستمند به ترقیم این اوراق
 مشغول و مقارن با اختتام دومین مرحله این
 جهاد کبیر جهان افروز است شلیک یا بهاء
 الابهی و یا ربی الاعلی در بر و بحر در قارات
 خسته عالم و جزایر دو محیط اطلس و اعظم
 و دو بحر متوسط و شمال و اقیانوس هند بلند
 است و پرچم اسم اعظم موج و صیت امر اعز
 اقوام مشتهر و ندای لبیک یا ربنا العلی الاعلی
 و یا ربنا البهی الابهی در متجاوز از دویست و
 چهل اقلیم از اقالیم دنیا از حیزادنی به افق اعلی
 متصاعد و قلوب جم غفیری از مومنین و
 مومنات از جنس ابیض و اسود و احمر و اصر
 و اسمر از تجلیات بدیعه حیرت انگیز امر رب
 فرید و سطوع انوار تایید و بروز تابشیر قهاریت
 و غلبه ظاهره آئین مجید مهتزو میثاق امتن در

هویت پیروان امر رب ذو المنن مستحکم
و بساط نظم بدیع در تمام جهان منبسط و هلهله
فارسان جیش عرمرم (۱۵) بهاء گروه مهاجرین
و مجاهدین پروفا از اکناف و اطراف مرتفع،
الحُزن والسرور قد اعتنقا (۱۶)، فسبحان ربنا
المقدر الناظر القاهر المقتدر المتجبر الحافظ
المهيم العظیم

ای یاران ارجمند: دریغ و افسوس که در کشور
مقدس ایران موطن اصلی جمال موعود مهد
آئین رب ودود جمهور سکانش از شعشعات
انوار این امر عظیم تا بحال پس از تجاوز از صد
سال مهلت غافل و ذاهل، در سُببات عمیقند (۱۷)
و بکابوس ثقیل گرفتار و بر اصنام اوهام عاکف
، قلوبشان از نفحاتش محروم و ابصارشان
مرمود (۱۸) و اسیر قیود در بُعدا بُعدند بل
معترض و مخالف، و در اطفاء سراج و هاج امر

ذوالجلال ساعی و جاهد، تَراهُم فی وادی
 الاوهام هائیمین و فی خوضهم لا عیین (۱۹)، آن
 قوم پُرموم از طبقات مختلفه و علی راءسهم
 الفئة الفاسده ارباب عمائم الذین زینوا روءسهم
 بالبیضاء والخضراء بر مقدسات این امر
 گرانبها زهر سو مهاجم و در اثبات بطلان این
 امر نارنین و تزییف سُنن و شعائر این دین
 مبین و تفریق و تشتیت شَمَل موعنات و
 مومنین و ایجاد انشعاب و انشقاق در صفوف
 جنود مجنده اش و هدم بنیان موسسات بدیعه
 اش و استئصال (۲۰) این شجره لاشرقیه و لا
 غربیه که یَد قدرت الهیه در آن ارض غرس
 نموده و به دماء بیست هزار شهید سقایت
 فرموده بکمال جدیت و اهتمام قائم و مداوم
 ، شبهه ای نبوده و نیست که اعلائی حیرت
 انگیز امر الله و اشتهار سریع نباء عظیم و ولوله

اش در اقلیم و رفع لوائش (۲۱) در متجاوز از صد
و ده اقلیم در اقل از سه سینه و رفع قواعد و
دعائم (۲۲) نظم بدیع الهی و جلوه متزایده
تاسیسات امریه و تشیید (۲۳) مقامات مقدسه
و تاسیس اوقاف و اتساع دائره آن در ارض
اقدس قلب العالم و قبله الامم و اتمام مشروع
عظیم بنای سامی (۲۴) ام المعابد غرب در قطب
امریک و احتفال مجلل عید مؤوی اول و ثانی
اهل بهاء در قارات خمسہ عالم و انعقاد انجمن
های اربعه بین القارات در قاره افریک و
امریک و اروپا و آسیا و افتتاح جهاد کبیر اکبر
و طرح و اعلان و انتشار نقشه بدیعه دهساله و
قیام و خروج و هجوم و تشیت مهاجرین
و مجاهدین در ممالک و دیار و فتح صد اقلیم
در سنه اولای این جهاد جهانی روحانی و اشتعال
قاره افریک و اقبال سریع نمایندگان قبائل

متعدده مختلفه و ارتقاع رایست بیضاء
 (۲۵) در قطب بحار بالاخص در محیط اعظم و
 تاسیس و تعدد مراکز این امر اعز اتم در اقالیم
 عربستان بالاخص در مکه مکرمه قبله عالم
 اسلامی کل باعث تحیر و موجب توهّم و
 اضطراب گشت و محرک عرق عصبیت و
 معاندت دشمنان دیرین گردید و بر اشتعال نار
 حسد و بغضاء در قلوب اهل شرور و عصبه
 غرور بیفزود و چنان التهابی در صدور احداث
 نمود که بغتاً من دون ستر و حجاب از مساجد
 و منابر سیل تهمت و افتراء جاری گشت و در
 صفحات جرائد این هجوم عنیف و ذم و قدح و
 تزییف (۲۶) به عباراتی فزیح (۲۷) منعکس
 گردید، فئه باغیه ضاله (۲۸) به عزمی متین بر
 قلع و قمع این حزب مظلوم قیام نمودند
 ، طولی نکشید که از مقامات عالیه اوامر اکیده

صریحه در توقیف و تعطیل امور امریه و منع
از اجتماع پیروان امر حضرت رب البریه
و اِشغال و احتلال (۲۹) حظیره یاران ارض طاو
محور دوائر امریه و اولین مرکز اداری اهل
بهاء و متمسکین بَعروه و ثقی در آن اقلیم پر
بلا صادر گشت و در مجلس شورا در حضور
وزراء و وکلای مجتمعه عده ای من دون
سترو حجاب زبان به تهدید و تزییف
(۳۰) گشودند و مُحَررین مقالات در جرائد
آن عاصمه پر شورو آشوب بکمال صراحت به
عباراتی سخیفه بر مقدسات آئین الهی حمله
ئی شدید نمودند و در همان مجلس بعض از
وکلای نهایت الحاح و اصرار صدور حکم
رسمی از طرف هیئت تشریعیه در تحریم
و اعلان عدم مشروعیت آئین بهائی و
حجز (۳۱) اموال و ممتلكات امریه و ضبط اوقاف

این حزب و اخراج و تبعید جمعی از مومنین و مومنات و قلع و قمع این طائفه طالب گشتند، در نتیجه این فتنه و فساد قُبّه رفیعّه آن بنای مجلل را منهدم ساختند و رسما اشغال نمودند و در ولایات مختلفه در اثر این هجوم عنیف ضوضاء بر پاگشت و تزییقات و اذیات از طرف مامورین و علمای رسوم از مجتهدین و وعّاظ دفعهٔ واحده شدت یافت حظائر قدس اشغال گشت و جمعی در مُدُن و قریّ عوام کالانعام را به تعدی براهل بهاء و قتل و غارت بکمال جسارت تحریک نمودند و به سَب و لَعْن و شَتْم در معابر زبان گشودند به تخریب و تاراج و حَرَق بیوت مسکونه این فئه مظلومه و هَدْم و نبش مقابر در مدافن بهائیان و ضرب نفوس و قطع اشجار و هتک ناموس نساء و ضرب

اطفال و اخراج آنان از دبستان و دبیرستان و اجبار به تبری مومنین و مومنات از عقیده خویش و انعقاد مجالس تعزیه در بیوت آنان و غارت محصولات فلاحتی آن مظلومان و قطع معامله با آنان و اخراج جمعی از دوائر دولتی اقدام نمودند و چنان شقاوت و قساوتی ظاهر نمودند که در مزرعه ئی که در قرب دهی ازدهات واقع به تحریک کدخدای آن محل جمعی ارادل از اشرار که عدد آنان به پانصد بالغ با طبل و شیپور و چوب و تبر هجوم بر ساکنین آن مزرعه نموده ، هفت نفر را از رجال و نساء که یکی از آنان هفتاد ساله و دیگری هشتاد ساله بوضع فجیع شهید نمودند ، امر به مقامی رسید که لطمه و وهنی عظیم از بد ستمکار لعین و لئیم به کعبه پیروان امر جمال قدیم در آن اقلیم وارد گشت و جزئی

از اجزاء بیت الله الحرام در مدینه مبارکه که شیراز
که منصوص کتاب اقدس و اول و ابھی و اشرف
مقامات متبرکه که مقدسه آن ارض است و بیستی
از بیوت مجاوره آن منهدم گردید و اخیراً در
ارض خاء متجا و زاز هشتاد نفر از رجال و
نساء را اشرار تبه کار پس از شکنجه و آزار از
بیوت مسکونه بیرون کشیده به ظلمی مبین
پالان و افسار نموده و زنگ به گردنشان انداخته
آنان را جبراً چهار دست و پا در کوچه و بازار با
طبل و دُهل گردانیدند و پس از آن منازل آن
مظلومان را غارت نمودند، تَبَّأ لَهُمْ
(۳۲)، سَحَقًا لَهُمْ (۳۳)، و یَلُّ لَهُمْ (۳۴). تَعَسَّأ لَهُمْ
، و لا عوانهم (۳۵) و اتبَاعَهُمْ ، قَدْ بَكَیْ مِنْ
ظَلْمِهِمْ (۳۶) محمد رسول الله و ذُرْفَتِ مِنْ
اعمالهم عیون اهل ملاء الاعلی و ضَجَّتْ
حوریات القدس فی اعلی الغرفات فی

الفردوس الابهى، و تَفْتَتُ اَكْبَادِ الْمُؤْمِنِينَ و
 الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
 ، فَضَّ اللَّهُ فَا هُمْ وَ قَطَعَ لِسَانَهُمْ
 وَ كَسَرَ عُنُقَهُمْ وَ أَمْلَأَهُمْ وَ أَقْلَأَهُمْ ،
 فَوَرَبَّ الْعَمَاءِ سَوْفَ يَفْتَنُونَ بِفِتْنَةٍ عَمِيَاءَ صُمَّا
 ءُ وَيَضْرِبُنَّ عَلَى فَمِهِمْ مَلَائِكَةُ الْأَمْرِ وَ نَزَلَ اللَّعْنَةُ
 عَلَيْهِمْ وَ تَمُرُّ الرِّيحُ الْحَمْرَاءُ وَ يَحِيطُهُمْ عَذَابُ اللَّهِ
 الْكَبِيرِ الْكَبِيرِ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَ يَحِلُّ
 بِهِمْ بَلَاءٌ لَمْ يَسْمَعْ بَلَاءَ أَشَدَّ مِنْهُ إِذَا تَرَجَّفَ
 أَرْكَانَهُمْ وَ تَقَشَّعَ جُلُودَهُمْ وَ يَضَعُونَ أُنَامِلَ
 الْحَسْرَةِ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ لَا تَجِدُونَ لِنَفْسِهِمْ نَاصِرًا
 وَ لَامَعِينًا إِذَا يَأْكُلُهُمُ النَّيِّرَانُ وَ يَمْحَى اللَّهُ آثَارَهُمْ
 وَ يَلْحَقُهُمْ بِالْهَالِكِينَ ، إِذَا لَا يَسْمَعُ لَهُمْ صَوْتًا وَ لَا
 رَكْزًا .

در این مقام از قلم مرکز میثاق جمال ابهی این
 کلمات بینات صادر :

از سرشک دیده یتیمان حذر لازم زیرا سبیل
خیزاست و از دود آه مظلومان پرهیز باید زیرا
شرر انگیز است) این است که از قلم اعلی این
کلمات دریات و این شهادت عظمی نازل قوله
جلت عظمة:

(قسم بافتاب حقیقت که اگر آن حضرت در
مملکت دیگر ظاهر میشد البته مقامش مرتفع و
امرش ظاهر و نورش باهر و کلمه اش محیط می
گشت) (لعمرا لله اگر قلم اعلی به احزاب عالم
توجه مینمود به مثل آنچه به اهل ایران نمود
هر آینه اکثری وارد بحر اعظم میشدند چنانچه
در این ارض جمعی قبل از تبلیغ داخل شدند
بمثابه امطار آیات بر ایران هاطل و نازل
معدلک میت مشاهده میشوند الا من شاء الله
رب العالمین) و ایضا میفرمایند (اگر حضرت
مبشر روح ما سواه فداه در این ارض ظهور می

نمود حال اکثر خلق را از اهل حق مشاهده
 مینمودی چه که اوهامات حزب شیعه از جابلقا
 و جابلسا و ناحیه مابین این نفوس نبوده و
 نیست) و از قلم میثاق مَؤیدَ الْمَا صَدَّرَ مِنَ الْقَلَمِ
 الِاعْلَى این شهادت اَتَم اَوْفَى نازل: (این کوکب
 روشن اگر از مطلع انجمن اروپا طالع شده
 بود حال ملاحظه میفرمودی که چه شور و ولهی
 بود و چه وِلْوَلَه و طربیی ۰۰) و ایضا
 میفرماید (شمس حقیقت اگر در سائر اقالیم
 اشراق نموده بود تا بحال اشعه اش جهانگیر
 گشته بود زیرا اهل آن اقلیم قدر این فضل
 عظیم را می دانستند و لو موعمن نبودند مسرور
 بودند) در بیان غفلت و سوء رفتار و عاقبت پر
 وبال این هیاکل بُغْضِیَه از قلم اعلی این بیانات
 خطیره قهریه و انذارات شدید نازل قوله جل
 کبریا: (لَمَّا تَفَرَّسْنَا وَ جَدْنَا اَکْثَرَ اَعْدَائِنَا

العلماء (٣٧) (ينوح من أعمالهم محمد رسول
 الله في اعلى الجنان يشهد بذلك من ارسله
 بسطان ميين) (٣٨) زينوا روءسهم بالبيضاء و
 الخضراء و عملوا ماناح به الروح الامين (
 نشهد انهم كانوا جدارا بين الله و احبائه) (٣٩)
 يا معشر العلماء بكم انحط شأن الملة و نكس
 علم الاسلام و ثل عرشه العظيم ، كلما اراد
 ميزان يتمسك بما يرتفع به شأن الاسلام
 ارتفعت ضوضاءكم بذلك منع عما اراد و بقى
 الملك فى خسران كبير) (قل يا معشر العلماء لا
 ترون بعد اليوم لانفسكم من عزلانا اخذناه
 منكم و قدرناه للذين آمنوا بالله الواحد المقدر
 العزيز المختار) (٤٠) (قل يا معشر العلماء من
 الاعجام قد اخذتم زمام العباد باسمى و تقعدون
 على الصدور بنسبتكم الى فلما اظهرت نفسى
 اعرضتم و عملتم ما جرت به دموع العارفين

،سوف يفنى ما عندكم ويبدل عزكم بالذلة
 الكبرى و ترون جزاء اعمالكم من الله الا مر
 الحكيم) (۴۱) (اهل سنة و يهود و مجوس و
 نصاری و سایر احزاب هیچ یک عمل نمود
 آنچه را از آن قوم ظاهر شد) (یهود از ظلم آن
 حزب به حق پناه برده و می برد و کذلک
 احزاب اُخری) (قسم به آفتاب افق بیان که
 طرف ناخن یکی از امامان الیوم عند الله
 اُسبق است از علمای ایران که بعد از هزار و
 سیصد سنه انتظار عمل نمودند آنچه را که یهود
 در ظهور حضرت روح نمود) (پست ترین
 جنبنده های ارض احسن از آن نفوس بوده و
 هستند) (سوف تاخذهم زبانیة العذاب من
 لدن عزیزمقدر قیوم) و از قلم میثاق این کلمات
 تامات در این مقام نازل: (این عزت مبدل به
 ذلت کبری گردد و این سطوت و شوکت منقلب

به مقهوریت عظمی شود، ایوان بدل به زندان
 گردد و اوج ماه به قعر چاه انجامد، قهقهه و
 خنده نماید بلکه نحیب بکاء بلند شود) (گنبد
 های سفید و نیلگون سرنگون گردد) (حضرات
 روءسا آخور رادیده اند و آخر را ندیده اند و
 ضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الزَّلَّةُ وَالْمُسْكَنَةُ وَبَأَوْءَا بِغَضَبٍ مِنَ
 اللَّهِ ۴۳ عنقریب این نغمه واطوبی واطوبی منقلب
 بفریاد وایلا وایلا وای سفاگردد) (عنقریب
 ملاحظه خواهید فرمود که کُلُّ بَأْءَانُكَ مَنْكُسْرَه
 خائب و خاسر ۰۰۰ مبتلا گردند، این نفوس
 بمنزله بعوضند چندی در گل و کثافات
 خویش می غلطند، یک عربده می اندازند و
 عاقبت کَانَ لَمْ یَكُنْ شَیْئًا مَذْکُورًا معدوم
 گردند) (زنان ناتوان مرد میدان گشتند و گوی
 سبقت و پیشی از مجتهدان زمان ربوندند)

(خُسْرَانَهُمْ خُسْرَانُ الْفَرِيسِيِّينَ وَ هَوَانَهُمْ هَوَانٌ
كَهَنَةَ الْبَعْلِ فِي زَمَنِ اِيلِيَامِ
الاسرائيلين) ٤٤٠٠٠

اي هموطنان جمال قدم و اسم اعظم روجي
لِضُرِّكُمْ الْفِدَاءَ سُلْطَانَ قِدَمٍ مُسَلِّيَ اعْظَمِ
مِيفِرْمَايدِ قَوْلِهِ مَا اَحْلَى بِيَانِهِ وَ مَا بَهِيْ عِزِّهِ وَ
ذِكْرِهِ: (يا حمامة الوفاء خاطبي الضعفا انة اذا
وَجَدْتُمْ الضَّرَّ ارادشئتد و الباء ساء امتدت
والارض ارتجفت و الجبال ارتعدت و زوابع
الشدائد احاطت و بحور البلايا فاحت و ارياح
الرزايا هاجت و طوفان الامتحان احاط الامكان
عليكم بالصبر الجميل في سبيل ربكم
الجيليل) ٤٥

(قل يا حزب الله اياكم ان تخوفكم قدرة العالم
او تضعفكم قوة الامم ا و يمنعكم ضوضاء اهل
الجدال او تحزنكم مظاهر الجلال ، كونوا كالجبال

فى امر ربكم المقتدر العزيز المختار (٤٦) (قل
 اياكم ان تضعفكم اقوياء الارض او تخوفكم
 امراء البلاد، توكلوا على الله و فوضوا الامور اليه
 انه ينصركم بالحق و هو المقتدر على ما يشاء و
 فى قبضته زمام الاقترار) (اياكم ان تحزنكم
 سطوة الظالمين و ظلم المعتدين) (لا تحزنكم
 كثرة الاعداء سوف يجعلهم الله هباءً و لا تسمع
 ضوضاءهم الا كطين الذباب انه كان بكل شىء
 عليما) (٤٧) (قسم باسم اعظم كه اين بلاى ادهم
 را رخائى عظيم از عقب چنانچه صريحاً
 ميفرمايند: (عن قريب معرضين نادم و خاسر
 مشاهده شوند و مقبلين بكمال عزو تمكين
 هذا حتم عند ربك) و ايضا ميفرمايد: (اگر در
 اين ايام مشهودو عالم موجود فى الجملة
 برخلاف رضا از جبروت قضا و اقع شود دلتنگ
 مشويد كه ايام خوش رحمانى آيد و عالمهاى

قدس روحانی جلوه نماید. و شما را در جمیع آن ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البته به جمیع آنها رسیده فائز گردید) (ید غیبی در کار است و محتسب حقیقی ناظر و مراقب و بیدار اریاح عدلیه باراده ازلیه نافذه مولی البریه در میقات معلوم مرور نماید و این ظلمهای وارده بفرموده مظهر احدیه تدارک عدل اعظم می نماید و این انقلاب و هیجان بنفسه مقدمه نجات و استخلاص آن ستمدیدگان و شیفتگان روی جمال رحمن از قیود صد ساله امر یزدان در آن سامان است و منتهی به حلول عصر جدید و ورود جامعهء پیروان امر رب مجید بمرحله ثالث که مرحله انفصال آئین بدیع و منیع از شرع منسوخ و عتیق است خواهد گشت تمهیداً لرفع عَلم استقلال دینه الاعز الاشرف الافخم العظیم

کلمات دریات را که در این مقام از قلم اعلاّی
محبّی الانام صادر بیاد آورید، قوله الاحلی:
(لعمر الله مظلومیت بسیار محبوب است ۰۰۰ ایام
غلبه ظاهره خواهد آمد و لکن این لذت را
نخواهد داشت و اگر درست ملاحظه کنی
عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمائی)

ای یاران رشید پر وفا چقدر شکرانه لازم و
چقدر حمد و ثنا سزاوار که در حمل این ثقل
اعظم و تحمل این بلاء ادهم آن یاران مکرم
تأسی به جمال قدم و مبشر اعظم و غصن فرید
آن منجی عالم وسید امم و محیی رمم نموده.
وقت آنست که این بلا یا و رزایای لاتعد ولا
تُحصی را بخاطر آورید و در شدت و جِدّت و
امتداد و اتساع و تنوع بلیات و صدمات وارده
بر مظلوم عالم و بشارت دهنده امر مبرم و
غصن افخم اعظم تفکر و تمعن نمائید، در این

مقام این کلمات و عبارات حزن انگیز از قلم
 اعلی جاری تعالت عظمته: (قسم بآفتاب معانی
 که از ظلم این ظالمان قامت خم شده و مویم
 سفید گشته، البته اگر بین یدی العرش حاضر
 شوی جمال قدم را نمی شناسی چه که
 طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و
 نضارتش تمام شده تالله قلب و فواد و حشاء
 جمیع آب شده ولکن بقوة الله بین عباد حرکت
 مینمایم) (تالله یا اعرابی لوتنظرو ننی لن
 تعرفونی و قد ایض مسک السود من تتابع البلیا
 و ظهرت الیف الامر علی هیئة الدال من توالی
 القضا یا، ثم اصفر هذا الوجه المحمر المنیر) (۴۸
 تالله قد ابتلی طیر القدس تحت الظلم بین
 الطیور البغضاء منهم من یضربه بمنقاره و
 منهم بمیسره و منهم بمخلبه و منهم
 باظفاره کذلک کان البلاء من سحاب الغل علی

هیکل الطیر مرشوشا) (وكان قدامی ثعبان القهر
 وفتَحَ فَمَهًا لِيُبْلَعَنِي وَ عَن ورائی
 غضنفر الغضب ويريد أن يشقني و عَن فوقی یا
 محبوبی سحاب القضاء و يمطر عَلَيَّ امطار البلاء و
 عن تحتی نُصِبْتُ رِمَاحُ الشَّقَاءِ لِيَجْرَحَ اعضاءی و
 بدنى) ۴۹ (لعمرا لله اگر قلم اعلى از اين حين الى
 اليوم الذى لا آخر له خود را بخطاب يا مظلوم
 مخاطب سازد حق دارد ظلم از هر قسمی و هر
 شاءنى از آن از قبل و بعد بر مشارق نور و
 مطالع ظهور وارد و لکن براين مظلوم وارد شده
 آنچه که شبه نداشته و ندارد) (قسم بآفتاب
 افق محبوب که نقطه اوليه در ايام خود بحزنم
 محزون بوده و بر بلايم گريسته) (در کل حين
 دردست شمركين و خولى بى دين و شداد عناد
 و نمرود مردود و فرعون ملعون و يهود عنود و
 بوجهل حسد و قابيل بغضاء مبتلى بوده و هستم)

(تالله قد احاطنى حزن لن تر عين الابداع شبهه
 . . . وانك لو تريد ان تعرف اسرار الامر فاجرح
 عن المدينة التى كُنْتُ فيها ثم ادخل فى
 العراء ثم اسكن فى نفسك ثم اصمت عن كل
 الاذكار ثم توجه بقلبك اذا سمع ضجيج
 الاشياء و صريخهم فى حزنى و كذلك نلقى
 عليك فى سرِّ الاشارات جواهر الاسرار لعقل
 تطلع بما لا اطلع به احد من الخلق) (فوالله لو
 يطلع احد على ما ورد على ليسكن فى العراء و
 يفر عن المعاشرين و لن يستانس باحد و لن
 ياءكل من شئى الى ان يفدى نفسه فى حبه
 هذا الجمال المنير و كلما ورد على فى الظاهر
 ليس عندى شئى حتى اذ كره لكم يا
 معشر المحبين بل بما ورد على فى الباطن و
 هذا ما لا يقوم معه اهل السموات و لن يحمله كل
 من فى الملك اجمعين.. تالله لن اقدر ان اذكر

حرفا منه ولو اذکر حرفا منه لتنفطر عنه
 السموات و الارضین) ۵۰ (لو تجعل الفامن
 البحر مداد المصابی تالله لتنفد ولن ینفد ذکر
 مصابی التی كانت عن افق القضاء مشهودا و
 انک ان ترید أن تعرف اثرا منها فاستنشق
 الهوائم کل شیء ان وجدت رائحة الدم اذا فکر
 فیما ورد علی جمال القدم من سهام هولاء
 الذین کفروا بالله و آیاته بعد الذی خلق بقوله
 انفسهم و کل من فی الملک مجموعا) ۵۱ (حال
 ملیک غیب و شهود بر جمیع مشهود و بشاءنی
 ضر بر وجود مبارکش وارد شده که اگر جمیع
 بحور غیب و شهود مدادشوند و کل من فی
 الملک أقلام و جمیع من فی السموات و الارض
 راقم البته از ذکرش عاجز شوند) (و فی کل
 یوم ماکان غذائه الا من قطعات کبده و شرابه
 من قطرات دمه) ۵۲ (قسم بخورشید سماء

توحید که اگر خورشید سماء ظاهر بر حزن
 جمال احدیه مطلع شود ابداً از افق خود طالع
 نشود و قمیص نور و ضیاء از خود بیندازد (ای
 اُمّة الله هنگامیکه در بساط آسایش جالس شوی
 بذکر این مسجون مشغول شو و اگر غریبی
 مشاهده نمائی از غربت و کربت این غلام
 روحانی ذکر نما. قسم به نقطه وجود که بلایائی
 وارد شده که ذره آنرا آسمان و زمین و جبال
 حمل نتواند نمود، ذکر مصائب غلام مستور به
 و اِنَّهٗ بکل شیئی علیم) (یا عین ابکی لِضری و
 ابتلائی و یا قلب ضج بما ورد علی نفسی . ۵۳
 قسم بذکر اعظم که بلائی بر این عبد وارد شده
 که مظلومان عالم از اول دنیا الی حین بر
 مظلومیتم نوحه نمایند) (یا لیت کنت فانیاً و ما
 وُلِدْتَنی اُمّی و ما سَمَعْتَ ما وُرِدَ عَلَیْهِ مِنْ
 الذینهم عبدوا الاسماء و قتلوا منزلها و خالقها)

۵۴ (فَاَهْ آه لَيْسَ لِي مِنْ اُمِّ لَتَبْكِي عَلَيَّ حَالِي وَ
 لَالِي مِنْ اُخْتٍ لِتَعْرِي رَاسَهَا فِي عَزَائِي وَ
 مَصِيبَاتِي وَ لَاعْنَدِي مِنْ مَوْنَسِ لِيَوَانَسْنِي فِي
 بَلَائِي ا وَ يِرَافِقْنِي فِي ابْتِلَائِي) ۵۵ (فَاَهْ آه
 فَوَالَّذِي قَدْ اسْتَكْفَ وَرَقَاءَ الْمُحْزُونَ فِي صَدْرِ
 الْبِهَاءِ لَنْسِيَتْ كَلِمًا شَهَدَتْ مِنْ اَوَّلِ يَوْمِ الَّذِي
 شَرِبْتَ لَبَنَ الْمُصْفَى مِنْ ثَدْيِ اُمِّي اِلَى حَيْثُذُبَمَا
 اِكْتَسَبْتَ اَيْدِي النَّاسِ وَ كَانَ اللهُ بِعِلْمِ كُلِّ مَا كَانَ
 النَّاسُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ) ۵۶ وَ دَرِ قَصِيدِهِ وَرَقَائِيهِ
 اَز قَلَمِ مَظْلُومِ عَالَمِ نَازِل :

فَطُوفَانِ نُوحٍ عِنْدَ نُوحِي كَادِمَعِي
 وَ اِيْقَادِ نَيْرَانِ الْخَلِيلِ كَلْوَعَاتِي
 وَ حَزْنِي مَا يَعْقُوبُ بَثَّ اِقْلَهُ
 وَ كُلِّ بَلَاءِ اَيُوبِ بَعْضِ بَلِيَّتِي ۵۷

(واز قلم میثاق در ذکر بلاایای وارده این کلمات
 حزن انگیز صادر (الهی تری و حدتی و غربتبی

و كُرْبَتِي و تشاهد نحول جسمي و ذهول نفسي
و خسوف بَدْرِي و كسوف شمسي و ضعف
اركاني و تزلزل اعضائي و تزعزع و جودي و
تضييق صدري و خفقان قلبي و زهاق روعي و
عدم شروحي و شدة بلائي في سيلك و كثره
ابتلائي في محبتك ، اي رب استاء صلت الزوابع
دوحتى الناشئه واقلعت الزلازل ارومتي النابته
واخذتني اعاصير البلوى واهلكني شدائد الباء سا
ء والضراء) ٥٨ (يا محبوبي ٠٠٠ انحنى ظهري و
ابيض شعري و ذاب لحمي و بلى عظمي و
تقطعت كبدي و احترق قلبي و انفدت نار الاسي
بين اضالعي و احشائي) ٥٩ تراني هدفاً لكل
سهام و غرضاً لكل نصال و خائفاً في غمار
البلاء و غريقاً في بحار المصائب
والارزاء ٠٠٠ ارفعني اليك لان الارض ضاقت
علي و الحياه مريرة لذي و الآلام تتموج كالبحور

والاحزان تهجم هجوم الطيور على الحب المنثور
 فنهارى من الاسى ليل بهيم و صباحى مساء مظلم
 بهموم عظيم و عذبي عذاب و شرابى سراب و
 غذائى علقم و فراشى اشواك و حياتى حسرات
 و مياهى عبرات و اوقاتى سكرات و لعزتك لقد
 ذهلت عن كل شىء ولا اكادافرق بين ليلى و
 نهارى و غدائى و عشائى و سهرى و رقادى بما
 اشتدت الازراء و عظيم لى البلاء و عرض
 داء ليس له دواء) ۰ (۶۰)

ای عاشقان جمال ابهی قدر این موهبت کبری
 را بدانید که در این بلایا و رزایا بشرف مساهمت
 بامظلوم عالم و مرکز میثاق محیی زمم مشرف
 و نائل گشته اید و قطره ای از این علقم بلا را
 چشیده اید و این تاج افتخار را بر سر نهاده اید
 در ذکر مصائب وارده بر متقدمین در آن
 سرزمین از قلم اعلی نازل قوله عظم سلطانه ،

(مصائب و بلايای شما بمثابة كنوز است و در
 خزائن امانت الهی محفوظ و مصون) و ايضا
 مي فرمايد: (و نفسه الحق سوف يزين الله دبيج
 كتاب الوجود بذكر احبائه الذين حملوا الرزايافي
 سبيله) ٦١ (فوالله لو كان للدنيا و ما فيها قدر
 عند الله على قدر بعبوضه لن تصل الذلة فيها على
 احد من المومنين) ٦٢ (فاعلموا بان البلايا و
 المحن لم يزل كانت موكله لاصفياء الله و احبائه
 ثم لعباده المنقطعين) ٦٣ نفس اين بلايا و رزايا
 را جمال ابهي و غصن اعظمش در الواح شتي
 طالب و آمل و وقوع و صدورش را حامد و شاكر
 ،، در اين مقام از قلم اعلى نازل قوله تبارك ذكره
 : (فاعلم ثم ايقن ان في اول يوم فيه ارتفع
 صرير القلوم ا لاعلى بي من الارض
 و السماء انفقنا و ارحنا و اجسادنا و ابنائنا و
 اموالنا في سبيل الله العلي العظيم و نفتخر بذلك

بين اهل الانشاء و الملاء الاعلى يشهد بذلك ما
ورد علينا في هذا الصراط المستقيم (٦٤).

(لعمري لو اذكر حلاوة بلايا التي اكون فيها
لتنفذ اللواح و تنصعق الاقلام و ربك على ما
اقول عليم). (٦٥) (لعمري احب البلاء في سبيل
الله موجد الاشياء كما يحبون الناس ابصارهم بل
ازيد ويشهد بذلك ربك العزيز المختار). (٦٦)
(لعمري ان السجن بيتي و هو ابهى من كل
البيوت ان انتم من العارفين ولو ان يدي قد
فتحت باب السجن ولكن قلبي يحب ان يكون
فيه ان ربك لهو المبين الحكيم) (٦٧) (قل ان
البئر بيتي و السجن قصرى و البلاء اكليل البهاء ان
اعرفوا يا اولى الابصار من افق الذلة اشرفت
شمس اسمى العزيز) (٦٨) (قد جعل الله
البلاء اكليل لراس البهاء سوف تستضي منه
الافاق). (٦٩) (قد تزيّن راءس البهاء باكليل

البلاء كذلك قُضِيَ الامر في لوح كان بخاتم الله
 (مختوما) ٧٠ (طوبى لحين الذى فيه يفدى الغلام
 فى سبيل الله الملك العدل الحكيم و طوبى لآن
 فيه يسفك دم الغلام حبا لمحبوب العالمين ،فيا
 حَبِّذا الساعه كان الغلام فيها مطروحا على
 التراب بين يدالله مقصود العارفين فو محبوبى
 الحق اريدان اُفدى فى سبيله بدلا عن كل
 العالمين ،لو انتم من العالمين عزيز على بان
 يقتل احد فى سبيل الله و انا باقى فى الارض
 وبذلك يحزن قلبى و يكدر عيشى لو انتم من
 الموقنين) ٧١ و كذلك از قلم ميثاق نازل
 : (بالبلاء استضاء وجه البها و بالبلاء ساء و
 الضراء تبسم ثغر كل عبد البهاء) ٧٢ (يا امة الله
 اذا اجبت دعا فى حق عبد البهاء تذلى الى
 الملكوت الاعلى و ابتهلى و قولى رب رب زد
 فى بلاء عبد البها فى سبيلك و املاء له كءاس

المصائب والرزايا وامطر عليه سحب الامتحانات
 و زين عنقه بالسلاسل والاعلال فى السجون و
 القلاع فى محبتك واجعل دمه مسفوكا فى
 سبيلك وارزقه الجلوس على سرير الصليب
 بموهبتك حتى تاءخذه نشوءه صهباء الفدا
 ويطير بها الى جوار رحمتك الكبرى فى
 ملكوتك الاعلى ، هذا هو الدعاء فى حق
 عبد البهاء لان هذه غاية القصوى و منية الكبرى و
 موهبة العظمى التى يتمناها فى كل حين (٧٣) يا
 امة الله لا تحزننى و لا يتكدرى من البلايا التى
 احاطتنى لاننى استبشر بها و افرح بها لانها نزلت
 وتنزل على فى سبيل الله و اعلمى اننى ولدت فى
 البلاء و رضعت من ثدى البلاء و نشئت فى البلاء و
 بلغت فى البلاء و شببت فى البلاء فما احلى البلاء
 فى سبيل الله و ما شهى نعمة البلاء فى حب الله و
 ما عذب كءاس البلاء فى محفل التجلى عند

مشاهدة نور الكبرياء، ليت النجوم سهام و صدرى
 هدف لها فى سبيل الله ولا اتمنى إلا أن اعلق فى
 الهواء و يُرْسُ أَلْفَ رصاص على صدرى فى محبة
 البهاء و تقطع جسمى ارباً ارباً او يرمونى فى
 قعر البحار او يجرعونى كأساً من سم الهلاك
 فى محبة الجمال الابهى هذا لمنتهى آمالى و
 غاية مقصدى و اعظم مطلبى و منتهى رجائى). ٧٤

اي متمسكين بعروة وثقى التى لا انفصام لها
 ٧٥، اين فتنه و آشوب و انقلاب اخير كه در
 موطن مقدس مولاى عليم و خبير بفتنة احداث
 گشت بشهادت كل از آشنا و بيگانه و يار و
 اغيار باعث اشتهار و ارتفاع صيت آئين كردگار
 در كل اшطار گرديد، اين هجوم عنيف از طرف
 غضبهء مفروره فئة خادعين و مكفرين و مبطلين
 بر شعائر و مقدسات اين امر نازنين ويگانه

مَلْجَاءٌ وَ مُنْجَى اهل زمين و ضوضاء و غوغای
 باغين و طباغين نفوس واهيه سافله لاهيه
 ساهيه ۷۶ بمثابة صور اعظم و نفخه اکبر و نقره
 افخم ۷۷ صيت امر اکمل و اتم را در خافقين ۷۸
 مرتفع ساخت و ولوله اش در بسیط خاک رنه
 ای ۷۹ حيرت انگيز بينداخت و صيت امر الله را
 دفعة واحده بمقاماتی رساند و جلب انظار نفوسی
 را نمود که تا بحال حرفی از این ظهور اعظم
 نشنیده و ادنی اطلاعی از تصرفات و فتوحاتش
 در عالم نداشته اهل بهاء کُتْلَة و احده ۸۰ من
 دون تامل و تردد و بعزمی متين بکمال همت و
 جدیت و با قلبی مملو از تأثیر و تأسف و محبت و
 شفقت متوکلین علی الله الناظر الشاهد القاہر
 المقتدر القدير بر دفاع و معاضدت و معاونت و
 مساعدت ستمديدگان برادران و خواهران
 روحانی خویش در آن اقليم پر بلا موطن جمال

ابھی قیام نمودند و قیام استفرحت منہ قلوب
اہل ملاء الاعلیٰ ۸۱ و دراعلان مقاصداصلیہ
پیروان این امر اعز اسنی و تظلم نزد روءسا و
امراء و وزراء و وکلاء و احتجاج شدید بر زوات
کذب و افتراء و تبیین و تشریح مبادی سامیہ
جامعہ راجع بہ عقائد اصلیہ و دینیہ مروجان امر
حضرت رب البریہ و اقرار و اعتراف بہ حقیقت
و رسالت شارع شریعت اسلامیہ و توجہ اہل
بہاء بامور روحانیہ و تمسک آنان بحبل المتین
تعالیم سماویہ و عدم مداخلہ در امور سیاسیہ و
تجنّب از احزاب و فرق مختلفہ متنازعہ و اثبات
اصالت و استقلال و عمومیت شریعت بدیعہ
الہیہ و انقیاد تام و اطاعت احکام و مقررات
حکومات متبوعہ خویش در ممالک متفرقہ
متعدده ہمت بلیغ بگماشتند محافل ملیہ
روحانیہ ارکان جامعہ و متجاوز از ہزار مرکز

از مراکز امریه و قری^۱ در قطعات خمسّه عالم و
جزائر نائیه ۸۲ بعضی کتباً و بعضی تلغرافیا به
اعلیحضرت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه
ووزاری عظام ایدهّم الله ووکلای مجلس شورای
ملی و مجلس سنا در کشور مقدس ایران
مخابره نمودند واین تلغرافات که از جهات
مختلفه و مراکز عدیده دفعه^۲ واحده چون غیث
بردوایر حکومتی آن ارض هاطل ۸۳ بدست
مامورینی بیفتاد که نه نام بعضی از آن
مراکز را شنیده و نه موقع جغرافی آنرا شناخته
، این مخابرات متتابعه کلّ من دون شک و شبهه
علت تحیّر و باعث تعجب اولیای امور گردید
، یاران رشید الهی در این مراکز امریه در احقاق
حق مظلومان و منکوبین و ملهوفین بقدر
استطاعت خویش سعی بلیغ مبذول داشتند
بالاخص در قاره امریک مهد نظم بدیع و

مدینت الهیه که بفرموده حضرت مَن طاف
حوله الاسماء (میدان اشراق انوار است وکشور
اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار) و همچنین
در اقلیم انگلستان نمایندگان جامعه پیروان
جمال ابهی قیامی عاشقانه نمودند و بجمیع
وسائل از برای ازاله ظنون و اوهام متوهمین و
رفع سوء تفاهم مآء مورین و تشریح اصول آئین
رب العالمین و مدافعه از حقوق مظلومین تشبث
نمودند جماعات و محافل محلیه روحانیه در
ایالات متحده با رئیس جمهور تلغرافیا مخابره
نمودند و در صفحات جرائد و مجلات در اثبات
مظلومیت و بیان مقهوریت پیروان امر مقدس
حضرت احدیت و تبیین مقاصد و مآرب و
مبادی جامعه بهائی و ذکر شمه ای از تاریخ
پرهیجان این فئه مظلومه مقالات مشروح
منتشر ساختند و در صفحات اعظم جرائد عالم

و مجالات مهمهءمختلفه متعدده از جمله جریده معروفهءتایمس که اول جریده انگلستان بل اشهر جریده عالم است و در قضیه شهدای یزد در لوحی از الواح نازلہ از قلم اعلیٰ به خطاب (یا تایمزیاء دارای گفتار و مطلع اخبار) مخاطب گشته انعکاسات این وقایع مولمه منطبع و منتشر گشت و بر اشتهار این قضیه بیفزود و ایضا اتماماً للحجة و تاییداً لما سبق نمایندگان جامعه بهائیه متوسل به هیئت نمایندگان امم متحده گردیدند و در سازمان ملل و دیوان دول رنه این قضیه خطیره مرتفع گشت و شرح و بیان تفصیل این فجایع و اعمال شنیعه و مظالم وارده و لطمات و بلیات شدیدہ علت تحیر و باعث جلب انظار روءسای قوم و صاحبان مناصب عالیہ در ممالک مختلفه شرقیه و غربیه گردید، تقریر مشروح و مبسوط در بیان این

وقایع هائیکه و اثبات حقایق امریه تسلیم امین جامعه ملل متحده گردید و نسخه ای لاجل اطلاع رئیس شعبه ئی از شعب مهمه آن هیئت که مرجع امور اقتصادیه واجتماعیه است ارسال گشت و نسخه های متعدده این تظلم نامه به نمایندگان دول مشترکه در مجلس اعلاى این هیئت مجلله و موظفین آن تقدیم گشت و در نتیجه تقدیم این تقریر من دون تاخیر هیئتی مرکب از ارکان سازمان ملل متحد تعیین گردید و مأمور بمراجعه به نماینده دولت ایران گشت و باب مخابره رسمی بین این هیئت و آن دولت مفتوح شد و از مدیر دائره حقوق بشر نامه ای خطاب به امین محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده صادر گشت و در این نامه رسماً و اصول این تقریر و حاله اش بمقامات مربوطه و ارسالش به دولت ایران لاجل حقوق

اقلیات اشعار گزید و نیز بر حسب اخبار منتشره رئیس جمهور ایالات متحده بنفسه در حضور محررین و مخبرین جراند مهمه آن کشور بر کل سبقت یافته و حدود این انقلاب را خود اعلان نموده و انتشار داده جمعی از اجله ادبا و دانشمندان و مولفین و مورخین و مستشرقین و اساتذہ معروف در دارالفنونهای قاره شمالی امریک و ارکان وزارت خارجه ایالات متحده و رئیس الوزرای کشور هندوستان و قرینه رئیس جمهور سابق امریکا بعضی بصرافت طبع و برخی پس از اطلاع بر این وقائع مولمه در نتیجه مراجعه و مخابره با نمای محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده زبان به قدح و ذم مرتکبین این اعمال شنیعه گشودند بعضی شهادت بمظلومیت یاران ستمدیده جمال ابهی دادند و بعضی به دفاع از حقوق مسلوبه

جامعه و تبیین و تشریح تعالیم و مبادی نظم
بدیع و تعریف و توصیف اصول شریعت
سماویه علی قدر مراتبهم پرداختند جمعی
از این نفوس محترمه منصفه متحیر و متاسف و
برخی ناصح و معاتب و عده ای خشمگین
و مشمئز و در صفحات جرائد و مجلات اظهار
استیحا و استیاء شدید نمودند و قلیلی بتوییح
و انذار پرداختند، طولی نکشید که به اراده غالبه
نافذ الهیه این فتنه و آشوب در اثر این اشتها
سریع و احتجاج شدید تسکین یافت و دخان
ظلم و ستم بنشست و سیل تهمت و افتراء که
از قلم و فم جهله قوم و هزله و رزله پرلوم
منهمر گشته بود متوقف گشت و ضوضاء
و هیجان اهل طغیان بسکون و سکوت مبدل
گردید دشمنان حسود و جود از تنفیذ اهداف
سیئه خویش مایوس و منصرف گشتند و

گرگان و درندگان از افتراس ۸۴ اغنام الهی
ممنوع شدند و نباح کلاب و عواء ذئاب ۸۵
در آن اقلیم خاموش گشت و ارباب مکابرت و
استکبار رسوای عالم گشتند بعضی در حفرات
یاءس در طبقات سفلیه خود بخزیدند و در نار
حسرت و اسف عظیم بسوختند و برخی گرفتار
و بعداب الیم معذب گشتند و عده ای اعدام
و باسفل السافلین راجع گشتند، امر بمقامی
رسید که مقاومت و مهاجمه شدید بر حزب
مظلوم در شهر رمضان مبدل بمحافظت و
صیانت پیروان ستمدیده حی قیوم در ایام
محرم و صفر گشت و امر اکید کتبی راجع به
تخلیه حظائر قدس از طرف امنای دولت صادر
شد و تاکیدات صریحه در عدم تعرض و
احداث انقلاب و اغتشاش در کافه ولایات
خطاب به مامورین دولت ابلاغ گردید لعل الله

يُحَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ امْرَأً مُرْضِيًا لِلَّهِ الْقَدْرَةَ مِنْ قَبْلِ
وَمِنْ بَعْدَانِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۰۰۰ ۸۶

ایهاالمقتبسون من نور الهدی ۸۷، این انقلاب
اخیر در موطن اصلی امر رب قدیر از جهتی علت
اشتهار "آئین الهی و انتشار صیتش در کل
اقطار گشت و از جهتی دیگر اساسش را در
قلوب پیروانش در کل اقطار تقویت نمود و
مستحکم ساخت، جمععی از کوته نظران
در بدو این ضوضاء و غوغا چنین تصور نمودند و
بخود وعده دادند که این مقاومت و مهاجمت
واشتداد و زجر و عقوبت و تندباد غضب و حدت
و بطش و صولت و سطوت ارباب مکابرت و
انذارات و تخویفات خصم الـد ۸۸ امر حضرت
احدیت و سیل افترا و تهمت عنقریب ریشه
شجره مثمره مرفوعه لاشرقیه و لاغربیه را در

موطن و منبت اصلیه اش دفعهٔ واحده قطع و
 قمع نماید و سراج و هاج ۸۹ را کاملاً خاموش
 نماید و جمعی از عشاق جمال ابهی و پرورده ید
 عنایت حضرت عبدالبهاء را در ممالک و دیار
 پریشان و مایوس نماید و از صراط مستقیم
 منحرف سازد و زلزله بارکان جامعه در کافه
 ممالک اندازد و شعله نار محبت الله را در آئنده
 صافیه مومنین و مومنات و موقنین و موقنات
 بیفسرد و شمل یاران راستان را متشتت نماید و
 رخنه در صفوف جنود مجنده احداث کند و
 علت انشقاق و انشعاب و تفرقه و اضمحلال
 و انقراض گردد، هیهات هیهات (بئس ما ظنوا و
 ساء ما حکموا، ذرهم یخوضوا و یلعبوا و یمرحوا
 و یرتعدوا حتیٰ یقضیٰ الله امرأ کان
 مفعولاً) ۹۰ اشتعال نار ظلم و اعتساف و تابع
 محن و بلایا و اشتداد رزایا ادنی خللی در وحدت

جمع اهل بهاء و فتوری در عزم متمسکین بعروه
و ثقی احداث نمود، بلکه علت انتباه نفوس و
باعث تقویت بنیه امرالله گردید و روح جدیدی
در کالبد مروجین دین الله و مهاجرین
و مجاهدین فی سبیل الله و ناشرین نفحات الله
و ایادی و امنای امرالله و موسسین شریعه الله
و حامیان حصن الله و راکبین سفینه الله
بدمید،، عبادالله و اماءالله فی مشارق الارض
و مغاربها چون سدمتین مقاومت سبیل ترهات و
ابطایل و اراجیف و اکاذیب اولوالطفیان را نمودند
و بکمال جد و جهد بقلوب مطمئنه و اقدام راسخه
و ارواح منجذبه و افتده مشتعل در هدایت
نفوس غافله و انتشار روائح مسکینه و ندای به
ملکوت سلطان احدیه و تکذیب اقاویل و
ابطایل ۹۱ و نفی اعتراضات جدید و قدیم
دشمنان امر رب البریه و کشف اسرار و رموز

شریعت سماویہ و اثبات مقاصد اصلیہ روحانیہ
 و رفع شبہات و توہمات نفوس محتجبہ و اتساع
 نطاق جامعہ بہائیہ و تشتت در ممالک و جزایر
 بعیدہ و فتح اقا لیم غیر مفتوحہ و تنفیذ نقشہ
 بدیعہ دہسالہ بیش از پیش ہمت بگماشتند
 ، لیثبت ما صدر من القلم الاعلی فی الواح شتی
 قوله الاحلی: (بالبلاء علا امرہ و سنا ذکرہ) (قل
 البلیا دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره ان
 کنتم من العارفين) ۹۲ (بلائی عنایتی ظاہرہ نار
 و نغمہ و باطنہ نور و رحمہ) (بالبلاء ربینا الامر فی
 القرون الماضیہ سوف تجد الامر مشرقاً من افق
 العظمۃ بقدرۃ و سلطان) ۹۳ (قل ان البلاء ماء
 لما زرعناه فی الصدور سوف نبتت منه سنبلات
 ینطق کل حبۃ منها انه لا اله الا هو العزیز
 الحکیم) ۹۴

(قد جعل الله البلاء اكليلاً لرأس البهاء سوف تستضيء منه الآفاق) ٩٥ (قل ان القضاء موكب لهذا الامر و البلاء مُعين لهذا الظهور) اننا لم نزل ارتفعنا سدرات الامر بماء الاعراض و الدم ان اتم من العالمين) ٩٦ (قل ان الاعراض من كل معرض مُناد لهذا الامر و به انتشر امر الله و ظهوره بين العالمين) (قد جعل الله البلاء غادية لهذه الدسكرة الخضراء و ذبالة لمصباحه الذى به اشرفت الارض و السماء) ٩٧ (بظلمهم رفعنا الامر و انتشر ذكر اسم ربك فى البلاد بمنعهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نير العدل تفكروا لتعرفوا يا اولى الالباب) ٩٨ (مرة بايادى الظالمين يرفع امره و أُخرى بايادى اوليائه الذين يرون الغافلون ككف تراب و ينطقون بما نطق القلم الاعلى فى الافق الابهى) ٩٩ (قل تالله ترتفع هذه السدرة بماء اعراضكم و لكن انتم

لاتشعرون فى انفسكم و تكونن من
الفافلين) ۱۰۰ ۱۰۰ (لويسترون النور فى البر
انه يظهر من قطب البحر ويقول انى محيى
العالمين) ۱۰۱

يا احياء الله وامائه جامعه پيروان نير آفاق روحى
لحبهم وشهامتهم و ثباتهم واستقامتهم
الفداء كه پس از افول كوكب درى ميثاق
قدم بمرحله اولاي تاسيس نظم بديع الهى
گذاشته و در مدت بيست (۲۰) سال او
از بدباستحكام اساس و وضع قواعدهش
وتاسيس محافل محليه و تشكيل محافل مليه
در قطعات خمسه جهان مشغول و مائلوف بوده
وسپس دراين سنين اخيره و ارد مرحله
ثانيه كه مرحله ترويج دين الله و اتساع
نطاق امر الله و تسخير ممالك غير مفتوحه و
طرح نقشه هاى مليه و افتتاح جهاد كبير اكبر

است گشته حال بتقدیرات الهیه ووسائل غیبیه
وبروفق اراده غالبه نافذه در اثر این انقلاب
و بلایای وارده اخیره وارد مرحله ثالثه گشته
که مرحله اشتهار وارتفاع صیت امر حضرت
کردگار است و این مراحل ثلاثه که مرحله
استحکام اساس و اتساع نطاق واشتهار صیت
امر نیر آفاق است مقدمه اعلان آئین یزدان
در تمام جهان است که مرکز عهد و پیمان جمال
رحمن بآن در الواح اشاره فرموده و این اعلان
تحقق نیابد الا بقیام زمامداران دول و امم
شرقیه و غربیه و روسای مذاهب و ادیان
عتیقه در قارات خسته و ایجاد ولوله ئی اعظم و
آشوبی اکبر و زلزالی اشد از آنچه تابحال
دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک
شرقیه احداث نمودند، یاران راستان در این
ایام انقلاب و افتتان باید نظر را باین بیان صریح

که از قلم ملهم معجز شیم مولای خبیر و علیم
نازل متوجه سازند و در آنچه اخبار فرموده
تمعن و تفرس نمایند "قوله الاسنی: (الیوم قوای
روءسای ادیان باجمعهم متوجه تشیت انجمن
رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان
است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر
جهت مهاجم، چه که امر عظیم است عظیم و
عظمت امر در انظار واضح و لائح) و ایضا
میفرماید: (امر عظیم است عظیم و مقاومت
و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید
عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد
فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و
نزدیک بلند شود و کل بجمیع قوی بمقاومت
برخیزند و فارسان میدان الهی بتاییدی از
ملکوت ابهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه
پیمان (جند هنالک مهزوم من الاحزاب) ۱۰۲ را

ثابت و آشکار کنند ملاحظه نمائید که به صریح عبارت میفرماید (مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید) و شبهه ئی نبوده و نیست که مقاومت سیل امرالله و هجوم بر مقدسات دین الله از طرف جمهورناس و زمامداران هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف روسای کنائس و در دو قاره اروپا و امریک و مبشرین حضرت روح در دو قاره استرالیا و افریک و اقطاب و روسای ادیان عتیقه هند و چین در جنوب شرقی قاره آسیا و شرق اقصی خواهد بود شور و آشوب اخیر اولوالطغیان در اقلیم ایران بنفسه مقدمه حدوث ولوله ئی اعظم و انقلابی اشد و هیجانی اکبر در اقالیم سائره جهان است زیرا میفرماید: (کل بجمیع قوی بمقاومت برخیزند) و این انقلاب اعظم مقدمه اعلان

امیرالله در تمام کوره ارض و غلبه جند الله و
انهزام و انقراض اعداءالله و تنبّه عمومی اهل
عالم و اقبال دول و امم و تحقق
بشارت(یدخلون فی دین الله افواجا) ۱۰۳
خواهد بود، از سنین اولیه این ظهور ابداع
اعظم الی یومنا هذا مقاومت و مهاجمه بر حصن
حصین امیرالله منحصر به روءسای حزب
شیعه و اهل سنت و جماعت و عده ئی قلیل
از مبشرین و کشیشهای ملت حضرت روح در
بعض از اقالیم شرقیه و غربیه بوده ولی من بعد
متدرجا درمیقات معلوم باسباب غیبیه این
مقاومت و مهاجمه به اعضاء و روءسای کنائس از
رهبان و قسوس و اساقفه و مطارنه و
بطارکه ۱۰۴ از مذاهب مختلفه در قارات
خمسه بالاخص به روءسای طائفه انجیلیه
در جزائر بریطانیا و حبر اعظم رئیس اقدام و

اکبر طوائف مسیحیه در مدینه رومیه سرایت
 خواهد کرد و رفته رفته انعکاساتش در ممالک
 جنوب شرقی قاره آسیا و جزائر مجاوره
 و شرق اقصی ظاهر و پدیدار خواهد گشت
 (وناله هند و امت چین) بفرموده مرکز میثاق
 رب العالمین مرتفع خواهد شد و حنین
 روعسای دو طائفه برهمیه و بودائیه مانند حنین
 منابر در موطن اصلی جمال ابهی بعنان آسمان
 مشاهده خواهد گشت. اینست که میفرماید :
 (واقعه ها در پیش است و دشمن از پس) آنچه
 تا بحال واقع گشته مبادی و تمهیدات و
 مقدمات است نه خاتمه و انتهی و همچنین
 بیقین مبین بدانید که نفس این قیام و تولید و
 لوله و آشوب و ظلم و ستم و تهدید و مقاومت و
 تحریک و زجر و هجوم بالمآل باعث انحطاط
 و علت هبوط و سقوط جمهور محرکین و

متعصبین و ظالمین و مفسدین و معترضین و
معتدین و مهاجمین و انقراض و زوال علمای
سوء و روءسای ادیان عتیقه در اقالیم سائره
گردد، فتنه حزب شیعه و قیام و مقاومت خلفا
از جماعت سنه در مدینه کبیره و وضوای
علمای از هر در مدینه قاهره مرکز و محور
جامعه عربیه و اسلامیة بمثابه اولین مبارزه و
نخستین اصطدام ۱۰۵ است در این معرکه
هائله بین طلیعه جنود ضلالت و عمی و
علمداران جیش عرمرم بها و شبهه ئی نبوده
و نیست که این مقاومت و مهاجمه بمروور ایام
شدت نماید و این اصطدام بین سپاه ضلال و
لشکر حیات نطقش وسعت یابد و ولوله اش
جهانگیر گردد و نتایج و اثراتش زلزله بارکان
جهان انداز و عالمی را حیران سازد و امرالله را
علی روءس الاشهاد ۱۰۶ اعلان نماید و مصداق:

(جندُهنا لک مهزومٌ من الاحزاب) را و (نريد
 ان نمُن على الذين استضعفوا فى الارض
 ونجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين) (۱۰۷) را
 ظاهر و آشکار سازد نفس اين جهاد کبير اکبر و
 اين قيام و خروج و جوش و خروش و ترک
 اوطان و تشمت در ممالک و ديار و نصرت
 و ظفر در ميدان مجاهدت و هدايت جم
 غفيري در ممالک و جزائر متعدده از اجناس و
 طبقات و السن و الوان و طوائف مختلفه
 متنوعه ممهّد سبيل و وسيله تسريع اين اصطدام
 حيرت انگيز و جنگ و ستيز بين اصحاب
 يسار و يمين است چنانچه علامت اوليه اتساع
 نطاق اين مبارزه در سنين اخيره در قارات
 افريقا و جزائر بعیده محيط اعظم در نتيجه
 مقاومت و تحريکات مبشرين ظاهر و نمايان
 گشته و بتدریج در اثر همت و بسالت و

شجاعت و استقامت و اقدامات مستمره متزایده
 گروه مجاهدین و مهاجرین این مقاومت بسائر
 طوائف و مذاهب سرایت نماید و رُعب الهی را
 متدرجا در قلوب زمامداران اندازد و بر
 شدت و حدت این رزم روحانی و اتساع دائره
 معرکه اش بیفزاید، جمال قدم سلطان الامم و
 محیی الرمم ۱۰۸ بسپاهیان دلیرش در این
 انقلاب اعظم کاملا اطمینان داده و باین بیان
 اکمل و اتم وعده نصرت داده قوله تکبر
 کبریائه: (لعمری لا ینزل علی الاحباء الا ما هو
 خیر لهم، یشهد بذلك قلم الله المقتدر
 العزیز المحبوب) ۱۰۹ و ایضا میفرماید (انه ما
 قدر من قلم التقدير لاحبائه الا ما هو خیر لهم و
 نسئله بان یوفقهم علی الصبر و الاصبائر لئلا
 تمنعهم البلیاعن صراط الله العزیز العلیم) ۱۱۰

=====

حال سزاوار آن است که در خاتمه این اوراق
نظر را به تاثیرات مدهشده اقدامات اخیر و
فتوحات و مشروعات بهیه ناصران امر جمال
ابهی در این دو سنه اخیر جهاد روحانی اهل
بهاء متوجه سازیم و در تصرفات عجیبه غریبه
قوه قاهره ازلیه قدسیه و موجود و مُحَرک این
جهاد کبیر اکبر که کوشش را ایادی غالبه
سپاهیان رب الجنود در بر و بحرو در غرب و
شرق و جنوب و شمال بکمال قدرت و
اقتدار کوییده و میکوبداندکی تمعن و تفرس
نمائیم، مجاهدین فی سبیل الله و منادیان
بملکوت الله که در نخستین سنه این جهاد
کبیر اکبر بقوه اسم اعظم به فتح صد اقلیم
از اقالیم عالم مفتخر گشتند در سنه ثانی و
ثالث این جهاد نیز بعزمی خلال ناپذیر در میدان
مجاهدت مداومت نموده در ایفای وظائف

مقدسه متعدده حتمیه خویش کما امرهم و
نصحهم مولا هم (۱۱۱) همتی بلیغ مبذول
داشتند و چنان استقامتی بنمودند و به فتح و
ظفری نائل گشتند که ندای احسنتم احسنتم یا
احبائی و نصراء امری از مکمن اسنی خطاب به
جند باسل بها مرتفع گشت و هلهله اهل
ملاء اعلی رنه در غرفات فردوس ابهی و جنت
علیا بینداخت، (۱۱۲) در نتیجه این همت موفور
وسعی مشکور و قیام و خروج و مهاجرت و
تشتت عدد ممالک مستقله عالم و اقالیم تابعه
در شرق و غرب و جنوب و شمال که
بنور امر الله منور و در ظلش مستظل گشته به
دویست و چهل و هفت (۲۴۷) بالغ گشت و
از این ممالک دو مملکت که در قطعه هند و
چین واقع و یک جزیره که از
جزائر اوقیانوس اطلس است در نقشه دهساله

مذکورنه و فتحش از خدمات باهره و فتوحات
اضافیه مجاهدین و ناصرین امر رب البریه
محسوب مجموع مراکز امریه دربر و بحر و مدن
و قری که نطاقش از اَبَعَد مُدُن جنوبیه عالم از
خط استوا الی ماوراء مدار قطب شمال امتداد
یافته و سه سال قبل به دوهزار و
پانصد (۲۵۰۰) بالغ گشته و بشارتش را این
عبد پیاران عزیز قبلا داده، در اواخر این سنه
که ختام دومین مرحله این جهاد کبیر اکبر
است از سه هزار و ششصد (۳۶۰۰) تجاوز نموده
اقالیم مختلفه متعدده واقعه در قارات اربعه
آسیا و افریقا و اروپا و امریکا که اسمائش
در نقشه دهساله مذکور و مثبتوت کل
باستثنای جمهوریات اتحاد شوروی و ممالک
واقالیم مرتبطه در نتیجه فتح و ظفر مفتوح
گشت و همچنین کافه جزائر بحر متوسط و

محیط اعظم من دون استثناء در نطاق امر الله
 وارد و به ورود و وفود رسـولان امر الله
 و مهاجرین فی سبیل الله مشرف و مفتخر
 گشت و ایضا جزائر مذکوره در این نقشه که
 عدد آن به هفتاد و دو (۷۲) بالغ به تایید من الله
 در اقل از سه (۳) سنه کل مفتوح گشته
 باستثنای شش (۶) جزیره که یکی در بحر شمال
 واقع و دیگری در اوقیانوس اطلس و دو جزیره
 در اوقیانوس هند و دو جزیره دیگر که از توابع
 اتحاد شوروی محسوب است و مجموع
 جزایر کره ارض که از اشعه ساطعه امر الله
 مستنیر و در نطاق نظم بدیعش وارد گشته
 حال به نود و هشت (۹۸) بالغ، در قاره اروپا
 صیت نباء عظیم و امر رب مقتدر و کریم بممالک
 نائیه شمالیه رسیده و در مرکز از مراکز که
 ماوراء مدار قطب شمال در آن قاره است و

هفتاددرجه شمال خط استوا واقع علم مبین بدست مجاهدین و مهاجرین مرتفع گشته ، نمایندگان چهل نژاد از نژادهای مختلفه متنوعه متنازعه متباغضه در ظل شریعتش وارد و از مصدر فیوضاتش مستمدوبه روحش موید و در سبیل رضایش سالک و ازخوان نعمتش متنعم و بر خدمت امرش قائم و در ترویج کلمه اش سعی و جاهد ، کتب و جزوه های امریه به صد و هشتاد و نه (۱۸۹) لغت از لغات متداوله بین ملل و امم بهمت رسولان اسم اعظم و مروجان شریعت اقوم ترجمه شده و از این لغات متجاوز از سی (۳۰) لغت در نقشه بدیعہ مذکور نه و به همت ناشران نفعات الله بر لغات معینه اضافه گشته و بعض از این نشریات را یاران غیور و خدوم باقصی شمال و ابعد مراکز عالم که بیش از هشتاددرجه فوق خط استوا

واقع ارسال نموده اند ترویج الامر و اثباتا
لقدرته و اعلاء لکلمته، در قاره افریک که
بنار موقده الهیه مشتعل گشته و برقارات
خمسه سبقت یافته عده مومنین و مومنات
از سه هزار (۳۰۰۰) و عده موقنین
و موقنات از جنس اسودازدو هزار (۲۰۰۰) و
عدد مراکز امریه از چهار صد (۴۰۰) و
عدد قبائل از صد و چهل (۱۴۰) و عدد محافل
روحانیه از صد و بیست (۱۲۰) و عدد لغات که
آثار امریه به آن ترجمه گشته از
پنجاه (۵۰) متجاوز و در نتیجه این تقدم سریع
و نفوذ شدید و اقبال بی مثل و اجابت بی نظیر
دعوت رب جلیل جنود منصوره الهیه
در سراسر آن قاره وسیعه بتهیه مقدمات
انتخاب و کلاوت تشکیل سه انجمن شور روحانی
و تاسیس سه محفل مرکزی ارکان دیوان عدل

اعظم الہی بکمال شرف و سرور و بہجت
 و حبور مشغول و مائلوف و دراین عید رضوان
 کہ افتتاح مرحلہ ثالث این جہاد کبیر اکبر
 است باین نصرت عظیم و فتح مبین موفق
 و مفتخر خواهند گشت، عدد محافل روحانی
 ملی و محلی کہ در دوائر حکومتی در ممالک
 مختلفہ عالم تابحال رسمًا تسجیل و بہ
 صدور اعتبار نامہ رسمی از طرف ولایت
 امور لاجل تاسیس اوقاف بہائی
 مفتخر گشتہ و بہ صدو شصت و شش (۱۶۶)
 بالغ و عدد حظائر قدس ملیہ کہ در اقل از
 سہ سنہ در ممالک اوروپ و افریک و
 جمہوریات جنوبی و مرکزی قارہ امریک
 و اقلیم آلاسکا و ژاپن و عربستان و ترکیہ و
 سیلان و جزائر جنوبیہ محیط اعظم و
 افغانستان تاسیس یافتہ و قیمت آن بہ نیم

ملیون دولار بالغ گشته از چهل متجاوز ویاران
 جانفشان مولی الانام در اقالیم متعدده در اثر
 این اقدام به تلافی و جبران خسارت فادحه
 (۱۱۲) اخیره اشغال و هدم قبّه رفیعه اولین
 حظیره یاران ستمدیده در موطن اصلی
 حضرت احدیت کاملاً موفق و باثبات بیان
 صریح جمال قدم در ذکر غلبه و انتصار اسم
 اعظم موید قوله جل اعزازه (لویسترون النور
 فی البر انه یظهر من قطب البحر ویقول انسی
 محیی العالمین) (۱۱۳) بانیان نظم بدیع و
 سالکان صراط مستقیم و مجریان فرمان
 مولای فرید و عظیم بابتیاع اراضی ده
 معبد (۱۰) که قیمت آن جمعاً به صد هزار
 (۱۰۰۰۰۰) دولار بالغ و در جواری مدینه الله در
 دارالسلام بغداد و عاصمه قطر مصر مرکز
 عالم اسلامی و عربی و در قلب کشور آلمان

وعاصمه هندوستان و اقلیم کنداو مدینه سیدنی
اول واقدم مراکز امریه در قاره استرالیا و
عاصمه جمهوریت پاناما که ذکرش در السواح
مبارک مثبتوت و مدینه کامپالا در قلب قاره
افریک و مدینه جوهانسبورگ که اول مدن
جنوبیه آن قاره محسوب و عاصمه کشور
ایطالیا مرکز حبر اعظم واقع متتابعاً در این سه
سنه اخیره موید و همچنین به طرح نقشه و
تهیه وسائل تشیید دو معبد عظیم الشان
در قلب دو قاره اروپ و افریک مفتخر مقدمات
تاسیس اوقاف بهائی در متجاوز از
بیست (۲۰) مملکت از ممالک عالم به همت
عشاق اسم اعظم و موسسین نظم ابداع افخم
فراهم و قیمت این اراضی و اماکن موقوفه که
در قارات خمس در اقل از سه سنه یاران مالک
گشته اند از صد هزار دولا در متجاوز و در

ابتیاع اراضی باقیه در ممالک سائره بروفق
 نقشه دهساله مروجان امر رب البریه بکمال
 همت جاهد ومداوم اقلیم بعیدتبت که چون
 میت از نفمات یوم ظهور بکلی محروم واز
 استفاضه از انوار ساطعه اش کاملاً ممنوع و
 محجوب ودر خلف جبال شامخه باذخه واقع و
 از مراکز مهمه وحصن حصین طائفه قدیمه
 بودیه محسوب در سلک اقالیم مفتوحه در این
 سنه اخیره محشور و در نطاق دائم الاتساع
 امر نیز آفاق وارد در متجاوز از شصت اقلیم
 از اقالیم شرقیه و غربیه که در این سنین
 اخیره مفتوح گشته تقدم امر الله و نفوذ کلمه
 الله و ازدیاد عدد مومنین و مومنات مراکز
 منفرده را بسرعتی محیر العقول مبدل به
 جماعات و عده ئی از این جماعات را به
 محافل مقدسه روحانیه تبدیل نمود و

در بعض از این اقالیم عده مقبلین که به قلبی سلیم توجه به امر رب قدیم نموده و به جبل المتین تعالیمش متمسک گشته از صد (۱۰۰) متجاوز و این نفوس جدید الاقبال که اکثر از اهالی این اقالیمند بکمال انجذاب و اشتعال و اتفاق و اتحاد و همت و شهامت بنوبت خویش قیام بر تبلیغ امر الله و ترجمه و انتشار آثار الله و استحكام اساس دین الله و ترویج احکام شریعه الله نموده اند و به تاسیس مراکز جدید و مشروعات مهمه و طرح نقشه های ثانویه پرداخته و عده ای از آنان به مهاجرت اقدام نموده و حال به وجود ابناء و احفاد روحانی خویش افتخار نموده و می نمایند و در نتیجه این فوز مبین مروجین امر نازنین در این اقالیم از آنچه مأمول بوده و در نقشه دهساله تصریح و تعیین گشته تجاوز

نموده اند و به مقامی رسیده اند که احدی در
 آغاز این جهاد کبیر اکبر تصور چنین فتح و
 فیروزی و فلاح و نجات را قطعاً نمی نمود
 در محیط اعظم عده جزائر مفتوحه از قدیم و
 جدید از چهل (۴۰) متجاوز و مجموع مراکز
 امریه در این جزایر متشکته متعدده که
 در جنوب و شمال و غرب و قلب اعظم
 اوقیانوس عالم واقع به
 صد و هشتاد (۱۸۰) بالغ ۰۰۰ در ارض اقدس قلب
 العالم و قبله الامم ولانه و آشیانه انبیا و اولیای
 مکرم معظم و مرکز روحانی و اداری جهانی
 پیروان امر جمال قدم و محور موسسات نظم
 بدیع اکمل اتم منجی عالم و مقصود و موعود
 امم پس از انجام و اختتام تشیید مقام بهی
 الانوار قوی البنیان مبشر ظهور اسم اعظم با
 وجود انقلابات عظیمه جهان و مخاطرات

متزایده متنوعه که این ارض را احاطه نموده
 متوکلاعلی الله به تعیین محل
 استقرار مرکزاداری جهانی اهل بها وابتیاع
 اراضی لازمه و تشکیل قوس وسیع به شکل نیم
 دایره درحول مراقد منوره شریفه و حفر
 اساس اولین بنای این مرکز عظیم الشان
 مبادرت گردید و قطعه زمینی که درقرب
 مدفن حضرت ورقه علیاثره سدره منتهی
 وسراج ملاءاعلی واقع به قیمت صد هزار
 دولار (۱۰۰۰۰۰) جهت بنای معاهد آتیّه
 در دامنه این جبل مقدس تاملنا لهذا
 المشروع المقدس الخطیر واجلالا لمقامه
 الاقدس الاعز المتین (۱۱۴) ابتیاع گشت و
 به تدریج قسمتی از احجار و اخشاب و لوازم
 ضروریه این بنا که مجموعش از هزارتن
 (۱۰۰۰) و مصارفش از صدوسی

هزار دلار (۱۳۰۰۰۰) متجاوز وارد اسکله
حیفا گشت و قسمتی از اعمده این بنای افخم که
دارای پنجاه و دو (۵۲) ستون است و هر عمودی
ارتفاعش از شش متر متجاوز منصوب گردید
و به تهیه لوازم سقف مجلل و زیبایش که به
لون خضراء ملون و از هشت هزار
(۸۰۰۰) قطعه مرکب و قیمت آن از سیزده
هزار (۱۳۰۰۰) دلار متجاوز مبادرت
گردید و همچنین اقدامات لازمه جهت اکتیاف
پنج (۵) بیت از بیوت متصله به طبقات
آنمقام مقدس که در رأس اولین خیابان
مدینه حیفا واقع و قیمت آن از شصت
هزار دلار متجاوز خاتمه یافت و به اوقاف بین
المللی بهائیان که مساحتش از چهار صد هزار
(۴۰۰۰۰۰) متر مربع تجاوز نموده منضم

گردید، و ایضا پس از تاسیس شعبه های محافل ملیه روحانیه انگلستان و کندها و ایران و استرالیا بانقتال قسمتی از اراضی موقوفه در این جبل مقدس که قیمت آن جمیعاً از چهل هزار (۴۰۰۰۰) دلار متجاوز باسم شعبه های این محافل روحانیه اقدام گردید و معاملاتش حال در اداره ثبت اسناد در شرف اختتام است و شبهه ئی نبوده و نیست که این انتقال علت استحکام اساس موقوفات بین المللی بهائی گردد و بر اشتهار و رونق و جلالش بیفزاید. در مرجع عکا اراضی حرم اقدس در حوال ضریح مقدس و جنوب قصر رفیع افخم جمال ابهی اتساعی جدید یافته و در نتیجه مساعدت و معاضدت اولیاء امور مرکزی در مدینه اورشلیم یتیی که مجاور آن قصر مشید است و به قدم مرکز میثاق جمال ابهی مشرف

گشته اَبْتِیَاعِ گَشْتِ و اَشْتِهَارِ و جَلْوَه حُدَائِقِش
در انظار جَم غَفِیْرِی از زائِرِیْن و زائِرَاتِ از
یار واغیار که به زیارت مرقد مطهر و مشاهده
آثار قصز افخم فائز مضاعف گردید در
زاویه ئی از زوایای حرم اقدس کجدم کین
بقیه زعماء فئه ناقضین عهد مبین مجد الدین
لعین محرک ناقض اکبر میثاق رب العالمین
بذلتی مبین باسفل السافلین ساقط گشت این
عدو لدود و خصم حقود و بغض مجسم که از
قلم میثاق جمال رحمن به مظهر شیطان
موصوف و در اطوار و حرکات و مسلک و
رفتارش رجعت سیدلئیم اصفهانی که یحیی
بی حیا را در ایام جمال ابھی اغوا نمود پس
از صعود نیر آفاق بکمال تدلیس و تزویر و
عزمی راسخ در هدم میثاق الهی همت بگماشت
و با اولیای امور مرتبط گشت و در تهیه لوایح و

ارسال آن بمدینه کبیره مرکز خلافت جائزه
سعی بلیغ مبذول داشت و در سنین عدیده
حلقه اتصال و واسطه ایصال هدایا از طرف فئه
ضاله به ولاء و متصرفین و پاشای غدار جمال
پُر و بال و جمعی از مامورین تبه کار بود و پس
از افول کوکب میثاق بتمام قوی بر معاضدت
ناقضان عهد بهاء و ایجاد رخنه در جامعه پیروان
امر حضرت رب البریه و غضب مفتاح روضه
مبارکه و ممانعت از تاسیس مشروعات بهیه
بین المللی در جبل کرمل و مرج عکا قیام نمود
تا آنکه عاقبة الامر به بلای ادهم مبتلا گردید و
نصف بدنش مفلوج گشت و به ذلت کبری
ایامی را بسربرد و پس از انقضای صدسال
از حیات پر و بالش و مشاهده آثار غلبه و
نصرت غصن دوحه بقا و استقرار میثاق جمال
ابهی و اشتعال سراج عهد اتم اوفی در

دویست (۲۰۰) اقلیم از اقلیم دنیا و تاسیس
 واستحکام نظم بدیع جهان آرا و اتمام مشروع
 عظیم الشان بنای ام المعابد غرب در قاره
 امریکا و احتفال دو عید مؤوی اهل بهاو
 تشیید مقام بهی الانوار نقطه او لی و نصب قبّه
 ذهبیه اش در قلب جبل الرب کوه خدا خائبا
 خاسرا به نار حسابان راجع شد و به حطب
 اکبر قطب شقاق (۱۱۵) و خلیفه اش و بدیع
 شنیع و جمعی دیگر از روءسای عُصبه غرورو
 فتور ملحق شد. - در ایالات متحده امریک
 حامیان حزب مظلوم رافعان رایت بیضاء
 و علمداران جیش عرمرم بها که به تاسیس
 هزار و پانصد (۱۵۰۰) مرکز در آن اقلیم
 وسیع و آزاد موفق و مفتخر گشته به تقویت
 اساس امرالله و اتساع دائره موسسات امریه
 و اشتهار صیت نباء عظیم در آن قاره مشتعل

که مهد نظم بدیع و منشاء مدنیت الهیه است لیلًا
 و نهاراً مشغول هیئت منتخبه به بهائیان در آن
 سامان به تقدیم یکی از ادعیه نازله از کلک
 مرکز میثاق به رئیس جمهور آن کشور مفتخر
 و جوابی بامضای رئیس خطاب به آن هیئت
 صادر و در آن نگارنده نامه ستایش زائد الوصف
 از تاثیر مطالعه این مناجات نمود و این
 هیئت محترمه نیز به تاسیس موعسسسه مطبوعات
 ملی بر وفق نقشه دهساله مؤید و همچنین
 به طرح نقشه ای زیاجهت تزیین حدائق
 تسعه ام المعابد غرب مطابق دستور و
 تعلیمات صادره از قلم مرکز عهد و میثاق
 موفق و به ابتیاع قطعه زمینی که قیمت آن از
 چهل هزار (۴۰۰۰۰) دلار متجاوز جهت
 تشیید اولین موعسسسه بهائی که از توابع
 ملحقه این معبد عظیم الشان است مفتخر

واز جمله وقائع مهمه در آن کشور منور
صدور دعوتنامه رسمی از طرف یکی از
انجمن های مسیحی و اشتراک نماینده بهائی
در اجتماعی مهیب و مجمعی بی نظیر و مثیل
که در مدینه سان فرانسیسکو لاجل تذکر
ودعا از برای هدایت اهل عالم و تاسیس
صلح بین ملل و امم منعقد و در این احتفال قریب
شانزده هزار نفر مجتمع و در حضور جمعی
از اعیان و زمامداران از جمله وزیر خارجه
ایالات متحده و جمعی دیگر از نفوس مهمه
معروفه نمایندگان ادیان عتیقه از مسیحی و
هندو و بودائی و کلیمی و اسلام هر یک بنوبت
خویش به تلاوت منتخباتی از کتب مقدسه
اقدام نمودند و نماینده جامعه بهائیان قبل
از کل رسماً به تلاوت مناجاتی که از قلم
جمال ابهی صادر مفتخر گشت و شرح وقایع

این اجتماع عظیم النظیر در جرائد و مجلات منتشر گردید و بر اشتها آئین امر کردگار بیفزود و از جمله وقائع مهمه و حوادث تاریخیه و فتوحات باهره جلیله بهائیان در قارات خسته در این دو سنه اخیره که باختصار در خاتمه این رساله درج و ثبت میگردد انتقال رمس مبارک ابن نقطه اولی روحی لرشحات دمه الاطهر فداء (۱۱۶) بهمت افنان سدره بقا و یاران عزیز و باوفا در مدینه مبارکه شیراز در ایام رضوان به گلستان جاوید بهائیان است ، در کتاب قیوم الاسماء بمناسبت صعود ابن وحید مظهر مظلومیت کبری ، این بیان احلی خطاب به حرم نقطه اولی از قلم مقصود اولیا و سلطان انبیا صادر قوله تبارک و ذکره (اعظمی فضل الذکر الاکبر یا ایتها الحیبه من لدی المحبوب عند حبیبی ما انت کأحد من النساء

ان اتبعت امر الله الحق الاكبر اعرفى حق العظيم
 من كلمة القديم لنفسك وافخرى بالجلوس مع
 الحبيب محبوب الله الاكبر ويكفيك الفخر هذا
 من لدى الحكيم حميدا وا صبرى على القضاء
 شاءن الباب واهله وان وَلَدَكَ احمد لدى فاطمة
 الجليله فى الجنة القدس على الحق بالحق
 قد كان فى الحق بالعلم مربوبا (۱۱۷) واز جمله
 انتقال سند مالکیت سجن اکبر بنام ایادی امرالله
 و امین حقوق الله در مدینه مبارکه طهران
 و اعلان حق اشتراک اماء الرحمن در قطرین
 مصر و سودان در عضویت محفل ملی و انجمن
 شور و روحانی در آن سامان و تسجیل محفل
 مرکزی بهائیان سویس و ایتالیا و تاسیس
 موعسسسه مطبوعات ملی در مدینه دهلی
 عاصمه کشور هندوستان و مرکز انعقاد
 جلسات اعضاء محفل مرکزی هند و برما و

پاکستان و سیلان و ایتیان اماکن متبرکه در ارض سر (۱۱۸) و انعقاد نخستین موع تممر بهائی در قلب کشور فرانسه و اجتماع نمایندگان مراکز مختلفه که اخیرا در نتیجه مهاجرت موع منین و موع منات از قاره امریک به قاره اورپ متتابعاً تاءسیس گشته و مشورت در امر تبلیغ و تهیه وسائل جهت انعقاد محفل ملی یاران آن سامان در سنین آتیّه و تعیین و تاءسیس مدفن بهائی در مدینه الله در اقلیم لیبیادار السلام افریقیا و انعقاد اولین مدرسه تابستانه در قریه کویوکا در قلب آن قاره و اجتماع صد نفر از یاران سفید پوست و سیاه پوست و نمایندگان بیست و هشت (۲۸) مرکز از مراکز مختلفه لاجل اکتساب معلومات امریکه و مشاوره در امر تبلیغ و ترویج امر حضرت احدیه در مراکز و اقالیم

مجاوره و ابتیاع زمین جهت تاسیس مدرسه
تابستانه در مدینه مبارکه بغداد و تهیه نقشه
ای جهت بنای ام المعابد غرب در قاره استرالیا
در سنین آتیه و حال که ختام سومین سنه
وانتهای مرحله ثانیه جهاد کبیر اکبر است پیروان
ثابت راسخ مالک القدر در مراکز متعدده
در متجاوز از نود (۹۰) اقلیم از اقلیم شرقیه و
غربیه و جنوبیه و شمالیه در قارات خمسه
بکمال وجد و سرور و همتی موفور و وله و وجدی
بدیع متوکلین علی الله الحافظ الناصر القدیم
به تهیه مقدمات انجمن شور و روحانی
و تشکیل محافل ملیه روحانیه و رفع ارکان و
نصب دعائم دیوان عدل اعظم الهی که مابه
الامتیاز مرحله ثالث این جهاد است مشغول و
مالوف، در آغاز این مرحله ثالثه که از مراحل
مهمه خطیره این جهاد کبیر اکبر است سه

محفل از این محافل روحانیه در ایام آتیه
 در قِلب قاره افریک و شمال و جنوب آن
 انشاء الله و ارادتاً سبیس خواهد گشت و در
 دومین سنه اش سیزده (۱۳) محفل دیگر به
 تایید من الله و قوه من لدنه (۱۱۹) برای این محافل
 ثلاثه اضافه خواهد شد و از این محافل سه
 محفل در قاره اروپا تاسیس خواهد گشت
 در انتخاب محفل اول بهائیان اسوج و
 فنلند و نروج و در انتخاب محفل ثانی بهائیان
 هلند و بلجیک و لوکسنبورک و در انتخاب
 محفل ثالث بهائیان اسپانیا و پرتغال اشتراک
 خواهند نمود و چهار محفل دیگر در قاره
 آسیا تشکیل خواهد شد یکی در شرق جنوبی
 آن قاره و دیگری در عربستان و دیگری
 در ژاپان و دیگری در پاکستان
 منعقد خواهد گشت و پنج (۵) محفل دیگر در قاره

امریک تاسیس خواهدیافت که
درانتخاب دومحفل از آن بهائیان جمهوریات
جنوبی ودرانتخاب دومحفل دیگر بهائیان
جمهوریات مرکزی ودرانتخاب محفل خامس
بهائیان اقلیم السکا مشارکت
خواهندکردومحفل سیزدهم درجریزه
نیوزیلندکه ازجزائر جنوبیه محیط اعظم
است تاسیس خواهدگشت و درهریک ازاین
انجمنهای شورروحانی که مقدمه تشکیل این
محافل روحانیه ملیه است ایادی امرالله
حفظهم الله و ایده‌م بالنیابه ازاینعبد حاضر و
ناظر خواهند بود، درانجمن استکھلم ایادی
امرالله مسترگروسمن وایادی امرالله
مسترمولشلگل ودرانجمن بروکسل ایادی
امرالله مستر تاونزندو درانجمن مدیرایادی
امرالله مستر جی‌اگری و درانجمن جاکارتا

ایادی امرالله جناب فروتن و درانجمن بحرین
 ایادی امرالله جناب سمندری و درانجمن
 توکیو ایادی امرالله جناب خاضع و درانجمن
 کراچی ایادی امرالله جناب علائی و درانجمن
 بنویوس ایرس ایادی امرالله و امین حقوق الله
 جناب ورقا و درانجمن لیما ایادی امرالله
 مستر هولی و درانجمن پناما ایادی امرالله
 جناب خادم و درانجمن پورت او پرانس
 ایادی امرالله مسیس ترو و درانجمن انکوراج
 ایادی امرالله مستر هنی و درانجمن اوکلند
 ایادی امرالله مسیس دان ، این نفوس معینه
 باوکلای مجتمعه درمذاکرات و مشاورات
 امریه مشارکت خواهند نمود. =

ایدکم الله یا احاباء البهء و ایادی امره و خلفاء
 حبه علی ما ترافع به مقاماتکم و تهال و جوه
 آبائکم و اجدادکم و تظهـر خفیات امر

محبوبكم ومولاكم و تتموج الوية النصر في
بلدانكم و اوطانكم و تهتز ارواح المقربين في
ملكوت ربكم و بارئكم و تقشعر جلود اعدائكم
و خصمائكم و تتحقق آمالكم و اهدافكم في
خدمة امره الاعز الاقدس الابدع البديع و تنفيذ
الجهادة الاشرف الارفع الامنع الافخم الخطير
ولكم منى الف تحية و ثناء من هذه البقعة
النوراء زادكم الله في خدمة امره و نصرته دينه
شوكة و اجلالا و قدرة و رجالا (١٢٠) -
نوروز ١١٣ بديع

از روى نسخه اصل كه به خط مبارك مرقوم استنساخ شد و
دوبار مقابله گرديد × امضاء على اكبر فروتن

از روی نسخه فوق استنساخ و مقابله
گردیدمضامین آیات عربی به فارسی و ترجمه
بعضی از لغات از این عبدمیباشد-

شیراز - ح - ح

=

=====

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: (۱- ای گروه
مومنین و مومنات... از این بقعه مبارکه مقدسه مطهره نورابشما تحیت
میفرستم:)

با قلبی که از محبت شما در طپش است و فوادی که از نفحات
دگر منجذب و لسانی که به ثنا و محامد تان ناطق ...
و با چشمانی که از زیان و صدمه ایکه بر شما وارد شد اشک
آلوده و روحی مهتزاز بشارت و دلپستی عظیم شما ...
و وله و اشتعال و صبر و اصطبار و ثبات و استقامت ...
و خدمات و مجهودات و فتوحات شما ... در تکریم اسم اعز
عزیز و ... در تجلیل ظهور امنع منیع ... و در بزرگداشت
متین ترین میثاقش ... و در عظمت شعائر دین اقوم قدیم و
اثبات اصول نظم ابداع بدیع و امداد در جهاد کبیر اکبر ... و
کشف اسرار شرع مجید و تمهید اعلان امر با شکوه افخم انور
اقدس مبرم خطیرش)

درود خداوند و لطافش و عزت و بهای او بر شما باد ...
 ای احبای الهی و اماء الرحمن و بهترین خلق او ... : اغنام
 الهی و مشعلهای حب او و مصاییح هدایت او و امنای امرش ...
 خوش باد شما را و هزار طوبی بر شما و ... ای عزت و روح
 بر شما باد ... :: که ... :: ندای او را اجابت کردید و به میثاق
 او وفا نمودید ... قدمهایتان را بر صراطش ثابت نگه داشتید
 ... به جبل او معتصم ماندید ... در سیلش تحمل شدائد
 نمودید ... ترک لائمه و آشیانه نمودید ... از اوطان خود هجرت
 کردید ... بر تنفیذ امر او ... از اقربا و نزدیکانتان جدا
 شدید ... در راه رضای او راحت خود را فدا کردید ... در شرق و
 غرب عالم نفوسی را به ظل رحمت الهی فرا خواندید ... اقتداء
 به آباء و اجداد پیشین خود در راه هدایت خلق و تبلیغ رسالتش
 منقطع از ماسوا ه ... و سر مست از باده شهادت شدید و ...
 در راه دوستی جمعی که هر آنچه پرور دگارتان به شما
 عنایت کرد نثار کردید ... در اعزاز دین و ترویج مبادی و
 کشف اسرارش و تعمیم تعالیمش و استحکام دعائم نظامش و
 اثبات استقلال شریعتش و ... اشتها صیت امر اعظم
 عظیمش ... قسم به خدا هم اکنون دیدگان اهل ملاء اعلی
 شما ناظر است ... و سکان رفرف بقا بشما تبریک میگویند
 ... و اهل سرادق ابهی بشارت میدهند ... و وجوه حوریات
 قدس در جنت علیا به ظفر و پیروزی شما هلهله شادی سر
 میدهند ... و ... ملائکه امر حول حرم کبریاء بشما شاد
 باش میگویند ... و در مقابل عرش مولو و محبوبتان مرکز

عهد متین و استوار الهی، شما را تحسین و تمجید میکنند
و... پروردگار و مولای شما حضرت نقطه اولی مبشر امر
اسنی، سلطان رسل و نور چشم انبیاء شما تبریک میگوید
لسان عظمت جمال اقدس ابهی مُبعث رسل و آفریدگار و
موجد شما از فردوس اعلیٰ بشما خطاب میکند که:

ای احبای من و حافظین امانت من و هادی خلق من
بشارت باد شما را آفرین بر شما از این عطیه
عظمی ...

شما ناصرین امر من هستید ...

شما شاربین از رحیق حب من هستید ...

شما اعلام نصرت من در مملکت من هستید ...

شما مختارین در ملکوت من هستید ...

شما تکیه زندگان بر وساده عزت من هستید ...

خوشا بحال آنکه بشما تاءسی کرد ... و سالک راه شما

شد ...

قسم به خدا روح اعظم او را تایید میکند ... همچنانکه شما را

قبل از این و بعد از آن مویذ فرمود ...

در این راه مستقیم بمانید! ...

مبادا ... مبادا ... از جنود جباره و سطوت فراغنه خوفی به

دل راه دهید ...!!

مبادا مبادا دولت بی آبرو شما را از انجام رسالات پروردگارتان و

مولا و محبوبتان منع کند ...

و یا نکوهش ملامت گمران، یا صولت ظالم و شوکت گستاخان
شما را باز دارد ...

عنقریب عذاب الهی بر آنان فرود خواهد آمد ... و این همان
وعده ایست که دروغ دران راه ندارد ...

۲- عید مئوی اول = ۱۹۴۵ بهشت حضرت اعلی - عید مئوی ثانی
۱۹۵۴ بعثت خفی حضرت بهاء الله در سیاه جال طهران -

۳- شروع نقشه دهساله بعثت علنی حضرت بهاء الله در بغداد
۱۹۵۴ تا ۱۹۶۳ و تشکیل بیت العدل اعظم -

۴- جارف = بنیان کن

۵- رزایا = جمع رزیه = بلا و مصیبت

۶- منهمر = جاری و ریزان

۷- همج ارض = مردم احمق و ارازل بی سرو پا

۸- دئاب کاسره = گرگان درنده

۹- ایکات = درختان تو در تو - جنگل انبوه

۱۰- اهراق دما، برئیه = ریختن خون بیگناهان

۱۱- باغیان و طاغیان = گمراهان و سرکشان

۱۲- رغما لاتف الخصماء و الاعداء = بخاک مالیدن بینی دشمنان

۱۳- شردمه = گروهی کوچک و حقیر

۱۴- جیش عزمرم = لشکریان صف در صف

۱۵- لحنز و لسرور قد اعتنقا = اندوه و مسرت هم آغوش شدند

۱۶- فسبحان ربنا المقدر ... الخ = پس پاک و منزّه است پروردگار ما که
تقدیر کننده و ناظر و قاهر و مقتدر و باجبروت و حافظ و بزرگوار و عظیم
است .

۱۷- سبات عمیق = خواب غفلت و عمیق .

۱۸- مرمود=ناینا-

۱۹- تراهم فی وادی الاوهام ۰۰۰۰ = آنها را میبینی که در بیابان اوهام سرگردانند
و در منجلا بشان میولند -

۲۰- استئصال = از ریشه برکنند -

۲۱- رفع لوایش = پرچم برافراشته اش -

۲۲- رفع قواعد و دعائمش = پایه ها و عمودهای برافراخته اش - -

۲۳- تشیید = برافراشتن بنا -

۲۴- سامی = عالی و بلند مرتبه -

۲۵- رایت بیضاء = پرچم سفید -

۲۶- تزییف = تحقیر -ورد کردن و پست شمردن -

۲۷- فطیع = زشتی شدید -

۲۸- فئه باغیه ضاله = گروه سرکش و گمراه -

۲۹- احتلال = تصرف قهریه و غیر قانونی

۳۰ = تزییف = مانع شدن -

۳۱- حجز = ممانعت از تصرف در اموال خود -

۳۲- تبا لهم = مرگ بر آنان باد -

۳۳- سحقاً لهم = لعنت بر آنان باد -

۳۴- ویل لهم = وای بر آنان -

۳۵- تعساً لهم و لا عوانهم و اتباعهم = هلاکت بر آنان و همکاران و پیروان

آنان -

۳۶- قد بکی من ظلمهم محمد رسول الله = تا ادا لاسمع از ظلم

آنان محمد رسول الله گریست و از چشمان اهل ملاء اعلی از اعمالشان اشک

جاری شد و حوریات قدس در اعلیٰ غرفات فردوس اعلیٰ ضجه و ناله سردادند
 • جگر مومنین و مومنات در شرق و غرب عالم بگداختند ۰۰۰ خداوند دهانشان
 را خرد کند و زبانشان بریده باد - گردن‌هایشان ۰۰ انگشتانشان ۰۰۰ قلم
 هایشان ۰۰ بشکند ۰۰۰ قسم به خداوند عالم عنقریب گرفتار فتنه‌ای سخت و
 شدید و کور خواهند شد ۰۰۰ ملائکه امر بر دهانشان خواهد کوبید ۰۰۰ و لعنت
 بر آنان مرور خواهد کرد و عذاب خداوند کبیر اکبر از بالای سر و زیر پاهایشان
 آنها را احاطه خواهد نمود ۰۰۰ بلائی که اشد آنرا کسی نشنیده و ۰۰۰ سزاوار
 آند ۰۰۰ آن زمان است که ارکانشان به لرزه میافتد و پوستشان کنده میشود
 ۰۰۰ انگشت حسرت به دندان میگزند و ناصر و معینی نمی‌یابند آنگاه انش جحیم آنها را می
 بلعد و خداوند آثارشان را محو و نابود میکند ۰۰۰ و به هالکین می‌پیوندند ۰۰۰ آن زمان است
 که نه صدائی از آنان شنیده میشود و نه حرکتی ۰۰۰ - -

۳۷ و چون بررسی کردیم دریافتیم که اکثر دشمنان ما علما هستند) -

۳۸ - محمد رسول الله در اعلیٰ الجنان از اعمال آنان نوحه میکند و آنکه او را فرستاده شاهد
 آنست ۰۰۰

۳۹ - سرهاشان را (باعمامه‌های) سفید و سبز زینت داده‌اند و عمل کردند به آنچه که روح
 الامین ناله سرداد ۰۰۰ ما شهادت میدهیم که آنان بین خدا و بارانش جدائی افکنده‌اند ۰۰۰

۴۰ - ای جماعت علما بوسیله شما شاعن ملت منحط شد و پرچم اسلام سرنگون گردید - عرش
 عظیمش فرو ریخت ۰۰۰ هر کس خواست مقام اسلام را بلند کند ۰۰۰ شما آشوب و
 ضوضاء براه انداختید و ممانعت نمودید و بدینجهت مملکت به حیران برزگی گرفتار شد
 ۰۰۰ بگو ۰۰۰ ای جماعت علما بعد از این عزتی شما نخواهید دید بر ما آنرا از شما گرفته ایم
 ۰۰۰ و ۰۰۰ این عزت را برای الهائی مقدر کردیم که به خداوند واحد مقتدر عزیز و مختار
 ایمان آورده‌اند

۴۱ - بگو ای جماعت علمای ایران ۰۰۰ شما زمام مردم را بنام من بدست گرفته‌اید و
 باتسینی که بمن دارید بر صدور مردم جالس شدید ولی زمانیکه خودم ظاهر شدم از من اعراض

کردید و عمل کردید بآنچه که اشک عارفان جاری شد - عنقریب آنچه که دارید از میان
میرود و عزت شما به ذلت کبری تبدیل شده و از جانب خداوند آمر و حکیم جزای اعمال
خود را خواهید دید . . .

۴۲- بزودی شعله های آتش عذاب از جانب خداوند عزیز مقتدر قیوم آنها را فرا خواهد گرفت

۴۳- ذلت و مسکنت بر آنان فرود خواهد آمد و گرفتار غضب الهی خواهند شد -

۴۴- زیان و خسران آنان همچون خسران فریسیون است و ذلت
و خواری آنها همچون کاهنان و ساحران یهود در زمان حضرت
ایلیا از قوم بنی اسرائیل است

۴۵- ای کبوتر وفا به ضعفا خطاب کن و بگو: هرگاه به سختی

اقتادید و مشقت شدت یافت و به درازا کشید . . . زمین به

لرزه در آمد و کوهها به حرکت . . . و گردبادهای شدید

احاطه نمود . . . و دریاها بلاموج آمد و تند بادهای

سخت و مشقت بار به وزش آمد . . . طوفان امتحان عالم را

احاطه نمود . . . بر شماست صبر جمیل در راه پروردگار

جلیل

۴۶- بگو ای حزب الهی مبادا قدرت عالم شما را بترساند

یا قوت امم شما را ضعیف نماید . . . یا ضوضاء و شورش اهل جدال

شما را منع کند و یا مظاهر جلال شما را غمگین

سازد . . . همچون کوه بر امر پروردگار مقتدر عزیز مختار پایدار

بمانید . . .

۴۷- بگو مبادا اقویای ارض سبب ضعف شما شود یا امراء بلاد شما را

بترساند . . . بر خداوند توکل کنید و امور را بسپارید . . . او بحق شما را

یاری خواهد کرد زیرا او مقتدر است بر آنچه که بخواهد و زمام اقتدار در

قبضه اوست ۰۰۰۰۰ مبادا سطوت ظالمین و ظلم تجا و زگران شمارا
بترساند

۰۰۰۰۴۷- کثرت دشمنان شما را محزون نکند ۰۰۰۰۰ عنقریب خداوند آنها را
چون غباری قرار خواهد داد ۰۰۰۰۰ هیاهو ووضوء انان حزنین مگسی
بگوش نمیرسد و او بر همه چیز آگاه است

۰۰۰۰۴۸- قسم به خداوند ۰۰۰۰۰ ای اعرابی هرگاه مرا ببینی هرگز نخواهی
شناخت ۰۰۰۰۰ ارتتابع بلایا گیسوان مشکینم سفید گشته و قامت راستم
خمیده شده و روی گلگون و منبرم به زردی گرائیده

۰۰۰۰۴۹- قسم بخدا که این پرنده بهستی در چنگان طیور بعضا گرفتار
شده ۰۰۰۰۰ از چپ و راست با منقارشان بر او ضربه میزنند ۰۰۰۰۰ یکی با
چنگالش و آن دگر با ناخن هایش ۰۰۰۰۰ بچنین بلا از سحاب غل و بغضا
بصورت طبری میخراشند ۰۰۰۰۰ ازدهای قهر و غضب پیشایش من دهان
گشوده تا مرا ببلعد و غضنفر غضب از عقب مرا مورد حمله قرار داده و
سحاب قضا از بالای سر امطار بلاء و از زیر گام های من نیزه های شقاوت
قرار گرفته تا اعضا و جوارحم را مجروح سازد ۰۰۰۰۰

۵۰- قسم بخدا حزنی بر او احاطه کرده که نظیر آنرا چشم روزگار ندیده
۰۰۰۰۰ و تو اگر بخواهی پی با سرار امر بری از شهری که من در آن بودم خارج
و وارد بیابان شو و در حالت خلصه و سکون و خاموش از هر ذکر و سپس
به قلب خود توجه کن ۰۰۰۰۰ در این هنگام ناله و فغان را از هر حزنی که
بر من وارد شده از هر شیئی خواهی شنید ۰۰۰۰۰ اینچنین بر تو القا میکنم سر
اشارات جواهر اسرار را ۰۰۰۰۰ تا آنکه مطلع شوی بآنچه که هیچ کس بر آن
اطلاع نخواهد یافت ۰۰۰۰۰ قسم بخدا اگر کسی بر آنچه که بر من وارد شده
مطلع شود در بیابان ساکن خواهد شد و از معاشرین فرار اختیار خواهد کرد
و با هیچکس موانس نخواهد شد و چیزی نخواهد خورد تا آنکه خود را فدای
عشق این جمال منیر سازد ۰۰۰۰۰ و لی هر آنچه در ظاهرم بر من وارد شد
ارزش گفتن ندارد ۰۰۰۰۰ ای گروه محبین ۰۰۰۰۰ لی آنچه بر ضمیر باطن من
گذشت همان است که اهل آسمانها قدرت مقاومت با آنرا نداشته و جمیع

اهل عالم طاقت تحمل انرا ندارند ۰۰۰ قسم بخدا که قادر به گفتن حرفی از آن نیستیم و اگر حرفی از آن بگویم آسمانها و زمین از هم پاشیده خواهد شد ۰۰۰ ۵۱- اگر هزار دریا را مداد قرار دهی تا مصائبی که بر من وارد شده بنویسند قسم بخدا میسر نخواهد شد ۰۰۰ دگر مصائبی که در افق قضاء مشهود است اگر بخواهی اثری را از آن دریایی ۰۰۰ هوایی را استنشاق کن ۰۰۰ اگر بوی خون در آن یافتی پس بیندیش بر آنچه که بر جمال قدم وارد شد ۰۰۰ از تیرهایی که از گروه آنها نکه بخداوند و آیاتش کافر شدند بعد از آنکه انفس آنان و همه آنها که در عالم موجودند با گلام او خلق شدند ۰۰۰

۵۲- هر روز غذای او نبود جز قطعاتی از جگرش و نوشابه از قطرات خونش ۰۰۰

۵۳- ای چشم بر بلا و ابتلایم گریه کن ۰۰۰ و ای قلب بر آنچه بر من میگذرد زاری و ضجه نما ۰۰۰

۵۴- ای کاش نبودم و مادرم مرا به دنیا نیاورده بود و نمیشنیدم آنچه بر او وارد شد از سوی کسانی که بنده اسماء بودند و منزل و خالق همان اسماء را کشتند (مقصود حضرت رب اعلی است)

۵۵- آه ۰۰۰ آه ۰۰۰ که مادری ندارم تا برحالم بگیرد و نه خواهری که در عزایم و مصیباتم سر را برهنه کند ۰۰۰ و نه مونسی که موانسم در بلایا باشد و رفیقم در ابتلاء من گردد ۰۰۰

۵۶- پس آه ۰۰۰ آه ۰۰۰ قسم بکسی که از ورقاء مجزون که در سینه بهاء است خواسته تا همه آنچه را که ارا و لین روز که از سینه مادر شیر مصفی نوشیده تا هم اکنون از سوی مردم بر او وارد شده فراموش کند و خداوند بردلهای مردم آگاهی دارد و آنان نمیدانند ۰۰۰

۵۷- اشک چشمان من با شدت طوفان نوح و ریزش باران آن برابر است و سوزش آتش ابراهیم خلیل با حرارت سینه من مشابه است و حزن من باندازه ایست که آنچه به یعقوب رسید قسمتی از آنست و بلای من به حدیست که آنچه را که حضرت ایوب (از امتحان الهی تحمل کرد) اندکی از آنست ۰۰۰۰

۵۸- ای خدای من تنهائی و غربت و اندوه مرا می بینی و شاهدی برضعف جسم و نفس من و خسوف و کسوف ماه و آفتاب (عمر) من و ضعف ارکان و تزلزل اعضاء و لرزش و جود من و تنگی سینه و خفقان قلب و گرفتگی روح و شدت بلاء در راه تو و کثرت گرفتاری در سبیل محبت تو ۰۰ ای خدا تند بادها درخت بارآور مرا اریبخ و بن برکنده و ۰۰ گرد بادهای آشوب مرا در میان گرفته ۰۰۰ شدت سختی و مشقت و اذیت و آزار مرا هلاک ساخته ۰۰۰

۵۹- ای محبوب من ۰۰۰ پشتم خمیده شده ۰۰۰ مویم سفید گشته ۰۰۰ گوشتم گداخته و استخوانم فرسوده شده ۰۰۰ جگرم قطعه قطعه شده و قلبم محترق گشته ۰۰۰

آتش اندوه اضلاع و احشایم را افروخته ۰۰۰

۶۰- می بینی مرا که هدف هر تیر و نیزه ای قرار گرفته ام و درگرداب بلا فرو رفته ام و غرق در دریای مصائب و بلاها ۰۰۰

خدایا مرا بسوی خود پرواز ده زیرا زمین بر من تنگ گشته و زندگی بر من تلخ شده ۰۰۰ آلام همچون بحور آمده و احزان همچون طیور یکه بر دانه های پاشیده هجوم کنند بر من حمله ور شده اند ۰۰۰ چنانکه روز من از غم و اندوه ه مچون شب تاریک است و بامدام غروبی مظلم ۰۰۰ باغمهائی عظیم ۰۰۰ آب گوارای من عذاب است و شرابم سراب ۰۰۰ غذایم حطبل تلخ است و فراشم همچون خار ۰۰۰ حیاتم حسرات است و آب گوارایم اشک چشم ۰۰۰ قسم به بزرگواریت که از همه چیز غافل مانده ام ۰۰۰ شدت بلاها سبب شده که نزدیک است شب را از روز با زشناسم ۰۰۰ و دیرروز را از امروز ۰۰۰ خواب را از بیداری فرقی نگذارم و این دردیست که دوانی برایش نیست ۰۰۰

۶۱- و قسم به نفس حق زود است که خداوند دیباج کتاب وجود را به ذکر احبایش زینت دهد آنها که بلاها را در راهش تحمل نمودند ۰۰۰

۶۲- قسم بخدا اگر دنیا و آنچه در اوست بقدر پشه ای نزدیک خداوند ارزش داشت، ذلت را برای هیچیک از مومنین نمی پذیرفت ۰۰۰

- ۶۳- پس بدانید که محن و بلاها برای اصفیا و اجباء همچنین بندگان وارسته او مقرر شده است ...
- ۶۴- پس آگاه باش و به یقین مبین بدان که از اولین روزیکه نغخه قلم اعلیٰ بین زمین و آسمان بلند گردید ارواح واجساد خود ... فرزندان و اموال خود را در راه خداوند علیّ عظیم انفاق کردیم و بدان درین عالم وجود و ملاء اعلیٰ افتخار میکنیم و آنچه بر ما در این صراط مستقیم وارد شده شهادت میدهند ...
- ۶۵- قسم به جانم اگر حالات بلاها نیکه هم اکنون در آن گرفتارم ذکر نمایم هر آینه الواح خود را فدا میکنند و اقلام منصعق میگردند و پروردگار تو بر آنچه میگویم آگاه است
- ۶۶- قسم بجانم که بلا را در راه خداوند که پدید آورنده همه چیز است دوست میدارم همانطور که مردم چشمان خود را دوست میدارند بلکه از آن بیشتر ... و خداوند عزیز و مختار شاهد بر آنست ...
- ۶۷- قسم به جانم که زندان خانه من است و آن ازهر خانه ای زیاتر است ... اگر شما از عارفان باشید ... اگر میخواستیم باب سخن را باز میکردم ولی قلبم دوست میدارد که در آن باشم و خداوند روشن کننده ای حکیم است
- ۶۸- بگو همانا چاه خانه من است و زندان قصر من ... از افق ذلت آفتاب اسم عزیز من اشراق کرد ...
- ۶۹- بتحقیق خداوند بلا را تاجی بر سر بهاء قرار داد ... عنقریب آفاق از آن کسب نور خواهد کرد ...
- ۷۰- بتحقیق راس بهاء به اکیلی بلاء زینت یافته است ... اینچنین امر در لوحی که به خاتم خداوند مهور شده صادر شده است ...
- ۷۱- خوش باد هنگامیکه غلام الهی در سبیل خداوند ملک عدل حکیم فدا شود و خوش است لحظه ای که خون او در راه محبت محبوب عالمیان بر خاک ریخته شود و چه خوش است ساعتیکه این غلام الهی بر خاک افتاده باشد در دستان پروردگار مقصود عارفان ... پس قسم به محبوب

خودم؛ که حق است؛ میخواهم در راه او بجای همه عالمیان فدا شوم
 ۱۰۰۰ اگر شما ازدانیان باشید ۱۰۰۰ بر من ناگوار است باینکه کسی در راه
 الهی کشته شود و من در زمین باقی بمانم ۱۰۰۰ بدین سبب قلبم
 اندهگین میگردد و زندگی تیره میشود اگر شما از موقنین باشید ۰۰
 ۷۲- واز قلم مرکز میثاق اینچنین نازل شد: ۱۰۰۰ روی بهاء از بلاء کسب ضیاء
 میکند و در سختی و مشقت تبسم بر لبهای عبدالبهاء ظاهر میشود
 ...

۷۳- ای کنیز الهی اگر خواستی دعائی در حق عبدالبهاء کنی بکمال ذلت
 و انکسار به ملکوت اعلی توجه کن و در نهایت ابتهال و تضرع بگو:
 {ای خدای من | ای خدای من |

{بلاى عبدالبهاء را در سبیل خود زیاد کن ۱۰۰۰ و کاس مصائب و
 رزایا را سرشار نما ۱۰۰۰ و سحاب امتحانات را بر او بیاران ۱۰۰۰ و گردن او را
 با سلاسل و اغلال و زنجیر در زندانها و قلعه ها در راه محبت خود زینت ده
 ۱۰۰۰۰ و خون او را در راه خودت بر خاک ریز ۱۰۰۰ سریر صلیب را به موهبت خود
 بر من مقرر فرما تا آنکه نشئه شراب فدا را دریا بم و بدان وسیله به جوار
 رحمت کبریات در ملکوت اعلی پرواز کنم ۱۰۰۰ این است دعائی که در حق
 عبدالبهاء که آخرین مرحله ترقی و بزرگترین آرزو و اعظم موهبتی است که
 پیوسته تمنای آنرا دارم ۱۰۰۰}

۷۴- ای کنیز الهی از بلایا نیکه مرا احاطه کرده است محزون مباش زیرا از آن
 مستبشرم و بدان خوشحال ۱۰۰۰ زیرا در سبیل الهی بر من نازل شده است و
 بدان همانا من: در بلا متولد شدم ۱۰۰۰ از استان بلا شیر نوشیدم ۱۰۰۰ در بلا
 بزرگ شدم ۱۰۰۰ در بلا بالغ گردیدم در بلا جوان شدم ۱۰۰۰ و در بلا به پیری
 رسیدم ۱۰۰۰ و چه شیرین است بلا در سبیل الهی ۱۰۰۰ و چه لذیذ است نعمت
 بلا در دوستی با خدا ۱۰۰۰ و چه گواراست جام بلاء در محفل تجلی و مشاهده
 نور کبریا ۱۰۰۰

ای کاش ستارگان تیرهائی میشدند و سینه من هدف آنها قرار میگرفت در
 سبیل الهی ۱۰۰۰ آرزویی جز این ندارم که در هوا معلق گردم و هزار تیر بر سینه

ام فرود آید درسیبیل محبت بها ۰۰۰ یا بدنم را قطعه قطعه کنند و یا به
قعدریاها بیندازند و یاجامی از سم هلاک به من بنوشانند در محبت جمال
اقدس ابھی ۰۰۰ این آخرین آرزوهای من است و نهایت مقصد من و
برزگترین خواسته و منتهی رجای من ۰۰۰

۷۵- ای متمسکین به عروه و ثقی ۰۰۰ الخ = ای آنانکه به ریسمان
محکمی که بریده نخواهد شد تمسک جسته آید ۰۰۰

۷۶- باغین = گمراهان □ طاغین = سرکشان □ نفوس واهیة = سبک مغزان □
سافله = پست و فرومایه - ساهیة = غافل - لاهیة = غافل شونده □

۷۷- صور اعظم و نفخه اکبر و نقره افخم = از علامات ظهور مذکور در قرآن
مجید : یکبار دمیدن در صور اعظم □ و دمیدن در ناقور به آواز بلند ۰۰۰

۷۸- خافقین = شرق و غرب

۷۹- رنه ای حیرت انگیز = فریاد و صدای بلند حیرت آور

۸۰- کثله واحده = مانند جمعیتی متحد

۸۱- قیام استفرحت منه قلوب اهل ملاء اعلی = قیامی که قلوب اهل ملاء
اعلی شادمان گردید ۰۰۰

۸۲- جزائر نائیه = جزائر دور دست

۸۳- غیث هاطل = باران ریزنده

۸۴- افتراس = دریدن و شکستن

۸۵- نباح کلاب و عواء ذئاب = صدای سگها و زوزه گرگها

۸۶- لعل الله یحدث بعد ذلک ۰۰۰ الخ = انشاءالله خداوند بعد از این امر را فراهم کند که

مرضی رضای اوست و او بر همه چیز قادر است ۰۰۰۰۰

۸۷- ای آنانکه از نور هدایت بهره ور شدید ۰۰۰

۸۸- خصم الد = لجوج ترین دشمن ۰۰۰

۸۹- سراج وهاج = چراغ تابان و درخشان ۰۰۰

۹۰- هیهات هیهات بس ما ظنوا ۰۰۰ = چقدر عقب افتادگی ۰۰۰ و چه دور از حقیقت

۰۰۰ افسوس از آنچه گمان کرده اند و به غلط حکمیت کرده اند ۰۰۰ بگذر فرود بروند و در

منجلا ب خود غوطه خورند ۰۰۰ بد مستی کنند و چون جانوران در مراتع بچرند تا آنکه خداوند در باره آنان قضاوت کند و به جزای خود برسند ۰۰۰

۹۱- تکذیب آقاویل و اباطیل = رد گفتارهای بی محتوا و باطل ۰۰۰

۹۲- لیثبت ما صدر ۰۰۰ الخ = تا آنکه آنچه را که از قلم حضرت بهاء الله در الواح محکمه اش صادر شده باثبات برسانند و این است کلام شیرین او: { امر الهی با بلا بلند میشود و دگرش روشن میگردد ۰۰۰ بگو بلا را روغنی است برای این چراغ که نورش با آن روشن تر میگردد اگر شما از جمله عارفان باشید ۰۰۰

۹۳- بلای من عنایت من است ظاهرش آتش است و ذلت و باطن آن نور است و رحمت ۰۰۰ در قرون گذشته امر الهی را با بلا پرورش دادیم و عنقریب از افق عظمت با قدرت و سلطنت تجدید خواهد شد ۰۰۰

۹۴- بگو همانا بلا آبی است برای آنچه که در سینه ها پرورش دادم عنقریب سنبلاتی از آن خواهد روئید که هر دانه اش خواهد گفت: { همانا او خداوندی است که غیر از او خدائی نیست که عزیز و حکیم است }

۹۵- قد جعل الله البلاء اکلایلا لرا س البهائ = خداوند بلا را تاجی بر سر حضرت بهاء الله قرار داده عنقریب آفاق را نورانی خواهد کرد

۹۶- بگو قضای الهی موید این امر است ۰۰۰ و بلا یاری دهنده این ظهور ۰۰۰ ما سدره های امر را با آب اعراض و خون مرتفع ساختیم اگر شما از دانایان باشید ۰۰۰

۹۷- بگو که اعراض معرضین منادی این امر ند بدین وسیله امر الهی و ظهورش منتشر میشود

۹۸- باطلم آنان امر الهی را بلند مرتبه نمودیم و ذکر پروردگار ترا در جمیع بلاد منتشر ساختیم ۰۰۰ با ممانعت آنها، نفوس اقبال نمو دند و با ظلم آنان آفتاب عدل طالع گردید ۰۰۰ ای گروه دانایان بیندیشید ۰۰۰ تا بشناسید ۰۰۰

۹۹- یکبار با دستان ظالمین امر او بلند میشود و بار دیگر با ایادی اولیای الهی ۰۰۰ آنها که غافلان را همچون مستی خاک می بینند و به آنچه که قلم اعلی از افق ابهی تکلم میکند سخن میرانند ۰۰۰

۱۰۰- بگو قسم بخدا این درخت بارور الهی با آب اعراض سر به آسمان کشید و شما شعور فهم آنرا ندارید و از جمله غافلان هستید ۰۰۰

- ۱۰۱- اگر نور را در روی زمین پنهان کنی ۰۰۰ از قطب دریا سر برمیآورد و میگوید :
 { من زنده کننده عالمیانم }
- ۱۰۲- { چند هنا لک مهزوم من الاحزاب } آیه قرآنی ؛
 آنها هستند لشکر شکست خورده از احزاب که در حال فرارند
- ۱۰۳- { یدخلون فی دین الله افوا جا } ؛ آیه قرآنی ؛ وارد دین الهی خواهند شد دسته دسته
- ۱۰۴- بطارقه = خدام کلیسا - مطارنه ؛ جمع مطران = رئیس کاهنان بالاتر از اسقف -
 بطارکه = جمع بطریک = رئیس اساقفه - جبر اعظم = رئیس روحانی مسیحیان -
- ۱۰۵- اصطدام = تصادم یکی بر دیگری و ایجاد مزاحمت ...
- ۱۰۷- علی روه س الاشهاد = بر سر زبانها انداختن ...
- ۱۰۷- { نرید ان نم ن علی الذین ۰۰۰ الخ } ؛ آیه قرآنی ؛ = میخواهیم بر ضعیف ترین مردم روی زمین منت بگذاریم و آنها را پیشوایان امت قرار دهیم و وارثین خود نمایم ...
- ۱۰۸- زنده کننده استخوانهای پوسیده
- ۱۰۹- قسم به جانم که بر احبای الهی جز آنچه که خیر انانست وارد
 نمیشود ... قلم خداوند مقتدر عزیز و محبوب بدان شهادت میدهد
 ...
- ۱۱۰- برای احبای الهی جز آنچه که برایشان خیر است از قلم تقدیر نشده است و مسئله
 داریم که آنها موفق شوند به صبر و اضطبار ... و بلایا آنها را از صراط مستقیم منع
 نکند ...
- ۱۱۱- همانطور که مولای آنان بآنها امر فرمود و نصیحتشان نمود ...
- ۱۱۲- ندای احسنتم احسنتم ... الخ = ندای آفرین بر شما ... آفرین بر شما ... ای احبای
 من و یاری دهندگان امر من از پنهان نگاه نور خطاب به لشکریان شجاع بهاء بلند شد و
 هلهله اهل ملاء اعلی ... فریاد در غرفات ابهیبی و جنت علیا انداخت .
- ۱۱۳- فادحه = مصیبت سخت
- ۱۱۴- تا مینی برای این مشروع مقدس خطیر و بررگداشت این مقام اقدس عزیز و متین ...
- ۱۱۵- حطب اکبر قطب شقاق = لقب میرزا محمد علی که پس از انحراف و انشقاق از : غصن
 اکبر به حطب اکبر ملقب گردید .

۱۱۶- روحی لرشحات دمه الاظهر الفدا = رو حم فدای قطرات خون مطهرش باد

۱۱۷- این آیه مبارکه بیست و پنجمین آیه از سوره مبارکه قرآبه است که در تفسیر آیه ۲۷

سوره مبارکه یوسف از قرآن کریم (وان كان قمیصه قد من دبر فكذب و هو من ا

لصادقین) نازل گشته . این آیه مبارکه در ۳ نسخه دیده شده نسخه ایکه حضرت ولی

امراهه نقل فرموده اند چنین است : مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است :

(ای یار عزیز من (خطاب به همسر مبارک) که از جانب پروردگار محبوب در نزد حبیبه من)

اشاره به مادر گرامیشان است) می باشی . قدر و مقام ذکر اکبر

(اشاره به وجود مبارک خودشان است) بزرگ بدان ، تو با زنان دیگر فرق داری اگر امر خداوند

حق را در مورد این حق اکبر (اشاره به وجود مبارک خودشان) پیروی کنی حق عظیمی از جانب

کلمه قدیم الهی (اشاره به مظهریت الهی است) برای خودت بشناس و به جلوس با حبیب و

محبوب خداوند اکبر (اشاره به وجود خودشان است) فخر نما و این فخر که از جانب خداوند

حکیم به تو عنایت شده از همه چیز تو را کفایت میکند و بر مقدرات الهی در حق باب و اهل او

صابر باش و مطمئن باش که فرزندان احمد در کنار حضرت فاطمه جلیله در بهشت قدس به

حقیقت و به راستی با علم و آگاهی نگاهداری میشود -- انتهی (این قسمت از جناب ابوالفضل

انصاری است - با تشکر از ایشان)

۱۱۸- ادرنه

۱۱۹- با تاییدات الهیه و قدرتی از جانب او ...

۱۲۰- ای باران حضرت بهاء الله و ایادی امر او و ... جانشینان دوستی او خداوند شما را موبد

فرماید براینکه شأن و منزلت شما ترقی کند . و هلهله شادی و سرور آباء و اجداد

شما در چهره های آنان ظاهر گردد و حقیقت امر محبوب و مولای شما ظاهر

گردد . پرچم های نصر در ممالک و بلاد شما به موج درآید و ارواح مقربین در ملکوت

پروردگار و خالق شما باهتزاز در آید و ... پوست دشمنان و اعداء شما به لوزه

در آید و از هم پاشیده شود . اعمال و آرزوها و اهداف شما در خدمت امر عزیز

اقدس ابدع بدیع تحقق یابد جهاد کبیر اکبر تنفیذ گردد

هزاران تحیت و ثنا از سوی من از این بقعه مبارکه نورا ، بز شما باد شوکت و اجلال

و قدرت شما را در خدمت بامرش و نصرت دینش را خداوند بر شما افزایش دهد -